



تلاوت روزی یک جزء از  
**قرآن**  
الجزء ۱۶  
Reciting one Juz' a day from  
**Qur'an**

# جزء ١٦ - صفحہ ٣٠٢ تا صفحہ ٣٢١

الجزء السادس عشر - الصفحة ٣٠٢ إلى الصفحة ٣٢١

Juz' (Part) 16 - Page 302 to Page 321

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



۳  
قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ

گفت: آیا با تو نگفتم که تو  
He said: "Did I not tell you

۷۵  
إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

هرگز ظرفیت و مقام آنکه با من صبر کنی نخواهی داشت؟ (۷۵)  
that you would never manage to have any patience with me?" (75)

# قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا

موسی گفت: اگر بار دیگر از تو مؤاخذه و اعتراضی کردم  
**He said: "If I ever ask you about anything after this,**

# فَلَا تُصَاحِبْنِي

از آن بعد با من ترک صحبت و رفاقت کن  
**do not let me accompany you.**



٥

٧٦

قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَدُنِّي عُذْرًا

که از (تقصیر) من عذر موجه (بر متارکه دوستی) به دست خواهی داشت. (٧٦)

You have found an excuse so far as I am concerned." (76)

فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا آتَيَا

باز با هم روان شدند تا وارد بر شهری شدند

They both proceeded further till when they came



٦  
أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا

و از اهل آن شهر طعام خواستند،

to the people of a [certain] town, they asked its inhabitants

فَأَبَوْا أَنْ يُضَيِّفُوهُمَا

مردم از طعام دادن و مهمانی آنها ابا کردند

for some food, and they refused to treat either of them hospitably. 



# فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا

(آنها هم از آن شهر به عزم خروج رفتند تا) در (نزدیکی دروازهٔ آن) شهر به دیواری

**They found a wall there which was about**

# يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ

که نزدیک به انهدام بود رسیدند و آن عالم به استحکام و تعمیر آن پرداخت.

**to tumble down, so he set it straight.**



# قَالَ لَوْ شِئْتَ

باز موسی گفت: روا بود که

He said: "If you had wished,

لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا



بر این کار اجرتی می‌گرفتی. (۷۷)

you might have accepted some payment for it." (77)





# قَالَ هَذَا

آن عالم گفت: این (سه بار کم ظرفی و بی صبری

**He said: "This [means]**

# فِرَاقٌ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ج

و اعتراض، عذر) مفارقت بین من و توست،

**a parting between you and me.**



سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ

من همین ساعت تو را بر اسرار کارهایم

Yet I shall inform you about



مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

که بر فهم آن صبر و ظرفیت نداشتی آگاه می سازم. (۷۸)

the interpretation of what you had no patience for. (78)



أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسَاكِينٍ

اما آن کشتی، صاحبش خانواده فقیری بود  
**As for the ship, it belonged to some poor men**

يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ

که در دریا کار می کردند (و از آن کشتی کسب و ارتزاق می نمودند)  
**who worked at sea.**



فَارَدْتُ أَنْ أَعْيِبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ

خواستم چون کشتی‌ها (ی بی‌عیب) را پادشاه در سر راه به غصب

I wanted to damage it because there was a king

مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا ۷۹

می‌گرفت این کشتی را ناقص کنم (تا برای آن فقیران باقی بماند). (۷۹)

behind them seizing every ship by force. (79)



وَأَمَّا الْغُلَامُ

و اما آن پسر (کافر بود و)  
The young man's parents

فَكَانَ أَبُوَاهُ مُؤْمِنِينَ

پدر و مادر او مؤمن بودند،  
were believers,



فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا

از آن باک داشتیم که آن پسر آنها را  
and we dreaded lest he would burden them

طُغْيَانًا وَكُفْرًا



به خوی کفر و طغیان خود درآورد. (۸۰)  
with arrogance and disbelief. (80)



فَارَدْنَا أَنْ يَبْدِلَهُمَا رَبَّهُمَا

خواستیم تا به جای او خدایشان فرزندی بهتر و صالح تر

We wanted their Lord to replace him for them with

خَيْرًا مِنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رَحْمًا

۸۱

و مهربان تر و نزدیکتر به ارحام پرستی به آن پدر و مادر بخشد. (۸۱)  
 someone better than him in purity and nearer to tenderness. (81)



وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ

و اما آن دیوار از آن

The wall belonged to two orphan boys

يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ

دو طفل یتیمی در آن شهر بود

[living] in the city,



وَكَانَ تَحْتَهُ وَكَنَزَ لَهُمَا

که زیر آن گنجی برای آن دو نهفته بود  
and a treasure of theirs lay underneath it.

وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا

و پدری صالح داشتند،  
Their father had been honorable,



فَارَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا

خدایت خواست تا به لطف خود آن اطفال به حد رشد رسند  
so your Lord wanted them to come of age

وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا

و خودشان گنج را استخراج کنند.  
and claim their treasure



رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ ج

و من این کارها  
as a mercy from your Lord.

وَمَا فَعَلْتُهُ وَ ج  
عَنْ أَمْرِي ج

نه از پیش خود (بلکه به امر خدا) کردم.  
I did not do it of my own accord.



# ذَلِكَ تَأْوِيلُ

این است مآل و باطن کارهایی

**That is the interpretation**

مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا<sup>ع</sup>



که تو طاقت و ظرفیت بر انجام آن نداشتی. (۸۲)

**of what you showed no patience for." (82)**



۲۱  
ز

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ

و از تو (ای رسول) سؤال از ذوالقرنین می کنند،

**They will ask you about Double Horns.**

۸۳

قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا

پاسخ ده که من به زودی حکایتی از او بر شما خواهم خواند. (۸۳)

**SAY: "I shall render an account of him for you." (83)**



إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ

ما او را در زمین تمکن و قدرت بخشیدیم  
We established things on earth for him,

۸۴

وَأَتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا

و از هر چیزی رشته‌ای به دست او دادیم. (۸۴)  
and gave him access to everything; (84)





# فَاتَّبَعَ سَبِيًّا

۱۸۵

او هم رشته‌ای را پی گرفت. (۱۸۵)  
so he followed a [certain]course (85)

# حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ

تا هنگامی که (در سیر خود) به مغرب رسید  
until when he reached the place



# وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ

خورشید را (که در دریای محیط غروب می‌کرد) چنین یافت که در چشمه  
 where the sun sets, he found it setting in a mucky spring alongside

# وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا<sup>ز</sup>

آب تیره‌ای رخ نهان می‌کند و آنجا قومی را یافت که (چون کافر بودند)  
 which he (also) found some people.



قُلْنَا يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ

به ذوالقرنین دستور دادیم که دربارهٔ این قوم یا قهر و عذاب

We said: "Double Horns, either you will punish [them]"



وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا

(اگر ایمان نیاوردند) یا لطف و رحمت (اگر ایمان آرند) به جای آور. (۸۶)

or else act kindly towards them." (86)



قَالَ أَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ

ذوالقرنین به آن قوم گفت: اما هر کس (از شما) ظلم و ستم کرده او را به کیفر خواهیم

He said: "Anyone who has done wrong we shall punish; then he will be

يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا

رسانید و سپس هم که (بعد از مرگ) به سوی خدا بازگردد خدا او را به عذابی بسیار سخت

sent back to his Lord, and He will punish him with horrible torment. (87)

وَأَمَّا مَنْ أَمِنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

کیفر خواهد کرد. (۸۷) و اما هر کس به خدا ایمان آورد و نیکو کردار باشد

**Anyone who believes and acts honorably**

فَلَهُ وَجَزَاءٌ أَحْسَنُ

نیکوترین اجر خواهد یافت

**will have the finest reward**





وَسَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا

و هم ما امر را براو سهل و آسان گیریم. (۸۸)

and we will tell him gently about our command." (88)

ثُمَّ اتَّبَعَ سَبَبًا

و باز وسیله و رشته‌ای را پی گرفت (و سفر را ادامه داد). (۸۹)

Then he followed [another] course (89)



حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ

تا چون به مشرق زمین  
until when he reached

مَطْلِعِ الشَّمْسِ

رسید آنجا دید  
the place where the sun rises,





وَجَدَهَا تَطَّلِعُ عَلَى قَوْمٍ

که خورشید بر قومی می تابد که ما میان آنها و آفتاب ساتری قرار نداده ایم  
 he found it rising on a folk whom

لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا

(یعنی لباس و خیمه و مسکنی که از حرارت خورشید سایبان کنند نداشتند). (۹۰)  
 We had not granted any protection against it. (90)



# كَذَلِكَ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ

همچنین بود، و البته ما از احوال او کاملاً با خبر بودیم. (۹۱)

That was how We controlled information about whatever lay

خُبْرًا ۹۱ ثُمَّ اتَّبَعَ سَبِيًّا ۹۲

باز وسیله و رشته‌ای را پی گرفت (و به سمت شمال سفر را ادامه داد). (۹۲)

before him. (91) Then he followed [still another] course (92)



# حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ

تا چون رسید میان دو سد (دو کوه بین دو کشور در شمال  
**until when he reached two barriers,**

# وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا

یا جنوب خاک ترکستان) آنجا قومی را یافت  
**he found a folk on the nearer side of them**





# لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا

که سخنی فهم نمی کردند (و سخت وحشی و زبان نفهم بودند) (۹۳)  
**who scarcely understood any speech. (93)**

## قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ

آنان گفتند: ای ذوالقرنین،  
**They said: "Double Horns,**



# إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ

قومی به نام یاجوج و ماجوج در این سرزمین

**Gog and Magog**

# مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ

(پشت این کوه) فساد (و خونریزی و وحشیگری) بسیار می کنند،

**are ravaging the earth.**



فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ

آیا چنانچه ما خرج آن را به عهده گیریم سدی میان ما  
 Shall we pay you tribute on condition that you place

بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا

۹۴

و آنها می‌بندی (که ما از شر آنان آسوده شویم)؟ (۹۴)  
 a barrier between us and them?" (94)



قَالَ مَا مَكَّنِي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي

ذوالقرنین گفت: تمکن و ثروتی که خدا به من عطا فرموده (از هزینۀ شما) بهتر است (نیازی  
He said: "Whatever my Lord has empowered me to do is even better, so help

بِقُوَّةٍ أَجْعَلُ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۙ

به کمک مادی شما ندارم) اما شما با من به قوت بازو کمک کنید (مرد و کارگزار شما، وسایل  
me with some [man] power: I'll place a rampart between you and them. (95)



ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ

و هزینة آن با من) تا سدی محکم برای شما بسازم (که به کلی مانع دستبرد آنها شود). (۹۵)  
**Bring me blocks of iron." When he had levelled off [the space]**

بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا


برایم قطعات آهن بیاورید. (آن گاه دستورداد که زمین راتا به آب بکنند واز عمق زمین تا مساوی  
**between both cliffs, he said: "Blow on it!",**



حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا

دوکوه از سنگ و آهن دیواری بسازند) تا چون میان آن دوکوه را برابر ساخت گفت: در آتش بدمید  
**until when he had built it up into a fire,**

قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ۙ

تا چون آهن را بسان آتش بگذاخت، گفت: برایم مس گداخته آورید تا بر آن فروریزم. (۹۶)  
**he said: "Bring me molten brass so I may pour some over it." (96)** 

فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ

از آن پس آن قوم نه هرگز بر بالای آن سد شدن

**They neither managed to climb over it**

وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ وَنَقَبًا ۙ

و نه بر شکستن آن سد و رخنه در آن توانایی یافتند. (۹۷)

**nor were they able to tunnel through it. (97)**



قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي

ذوالقرنین گفت که این (قدرت و تمکن بر بستن سد) لطف و رحمتی از خدای من است

He said: "This is a mercy from my Lord."

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ

و آن گاه که وعده خدای من فرارسد، آن سد را متلاشی و هموار با زمین گرداند

Whenever my Lord's promise comes, he will make it crumble.





وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا

و البته وعده خدای من محقق و راست است. (۹۸)

My Lord's promise is true!" (98)

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ

و روز آن وعده که فرا رسد (طایفه یا جوج و مأجوج یا) همه خلائق محشر

We will leave some of them surging



يَمُوجُ فِي بَعْضٍ ز وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ

چون موج مضطرب و سرگردان باشند و درهم آمیزند، و نفخه صور دمیده شود  
 over others on that day. The Trumpet shall be blown,

فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ٩٩

و همه خلق را در صحرای قیامت جمع آریم. (۹۹)  
 and We will gather them all together. (99)



وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ

و در آن روز دوزخ را

On that day We will spread Hell out



يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا

(که انکار می کردند) آشکار به کافران بنماییم. (۱۰۰)

on display for disbelievers (100)



# الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ

آن کافرانی که بر چشم (قلب) شان پرده (غفلت) بود  
**whose eyes have been under blinders**

# فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي

و از یاد من غافل بودند و (از فرط هوای نفس)  
**against [seeing] My reminder.**







وَكَانُوا لَا يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ع

هیچ توانایی بر شنیدن (آیات و کلمه الهی) نداشتند. (۱۰۱)  
**They have not even managed to hear! (101)**

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا

آیا کافران پندارند که بندگان من  
**Do those who disbelieve reckon**



أَنْ يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِنْ دُونِي أَوْلِيَاءَ

(چون فرشتگان و حضرت مسیح) را به جای من دوست و یاور خود می گیرند؟!  
they will adopt My servants as patrons instead of Me?

إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا

ما برای کافران دوزخ را منزلگاه قرار داده ایم. (۱۰۲)

We have reserved Hell as a lodging for disbelievers! (102)



قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ

بگو که آیا می خواهید

SAY: "Shall We announce to you

بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

۱۰۳

شما را بر زیانکارترین مردم آگاه سازیم؟ (۱۰۳)

those who have lost the most through [their] actions?" (103)



# الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيهِمْ

(زیانکارترین مردم) آنها هستند که (عمر و) سعی شان

**Those whose effort led them**

# فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

در راه دنیای فانی، تباه گردید

**astray during worldly life,**



وَهُمْ يَحْسِبُونَ

و به خیال باطل می پنداشتند  
while they reckoned

۱۰۴

أَنَّهُمْ يَخِصِّمُونَ صُنْعًا

که نیکوکاری می کنند. (۱۰۴)

they were producing something fine, (104)



أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ

همین دنیا طلبانند که به آیات خدای خود کافر شدند  
are the ones who have disbelieved in their Lord's signs

وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ

و (روز) ملاقات خدا را انکار کردند، لذا اعمالشان همه تباه گشته  
and about meeting Him; their actions will prove to be useless,



فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ

و روز قیامت آنها را

and We shall set up no weighing

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنَّا

۱۰۵

هیچ وزن و ارزشی نخواهیم داد. (۱۰۵)

—in for them on Resurrection Day. (105)



ذٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا

این است که اینان چون کافر شده و آیات

Such will be their reward— Hell, because of how they have disbelieved

وَ اتَّخَذُوا ءَايَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ۱۰۶

و پیمبران مرا استهزاء کردند به آتش دوزخ، کیفر خواهند یافت. (۱۰۶)

and taken My signs and My messengers for a laughingstock. (106)



إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند

Those who believe and perform honorable deeds

كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا

البته آنها در بهشت فردوس منزل خواهند یافت. (۱۰۷)

will have the gardens of Paradise as a lodging (107)



# خَالِدِينَ فِيهَا

همیشه در آن بهشت ابد منزل یافته  
to live in for ever;

لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا

۱۰۸

و هرگز از آنجا انتقال نخواهند یافت. (۱۰۸)  
they will never seek any transfer from it. (108)



قُلْ لَوْ كَانَتِ الْبِحْرُ مِذَادًا

بگو که اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگار من مرکب شود

SAY: "If the sea were an inkwell

لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبِحْرُ

پیش از آنکه کلمات پروردگارم به آخر رسد دریا خشک خواهد شد

for the words of my Lord, the sea would be drained



قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي

هر چند دریایی دیگر باز ضمیمه آن کنیم (یعنی عوالم وجود  
before my Lord's words would be spent even though

وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا

۱۰۹

که کلمات تکوینی الهی است بی حد و نامتناهی است). (۱۰۹)  
we brought the same again to replenish it. (109)



قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَىٰ

بگو: جز این نیست که من مانند شما بشری هستم (دعوی احاطه به جهان های نامتناهی  
 SAY: "I am only a human being like yourselves; it has been revealed

أَنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ وَاحِدٌ

و کلیه کلمات الهی نکنم، تنها فرق من با شما این است) که به من وحی می رسد که خدای شما  
 to me that your deity is God Alone.



فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ

خدای یکتاست، پس هر کس به لقای (رحمت) پروردگارش

**Anyone who is expecting to meet his Lord**

فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا

امیدوار است باید نیکوکار شود

**should act honorably**



# وَلَا يُشْرِكْ

و هرگز در پرستش خدایش  
and not associate anyone

بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا



احدی را با او شریک نگرداند. (۱۱۰)

in the worship due his Lord." (110)



سوره ١٩ - ٩٨ آیه - مکی ﴿ سُورَةُ مَرْيَمَ ﴾

Surah 19: (Maryam)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!





# كَهَيَعَصَ ۱

که‌هی‌عص (این حروف رموز و اسراری است در میان خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم). (۱)  
K.H.Y.E.S (1) [This is]

# ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ وَ زَكْرِيَّا ۲

در این آیات پروردگار تو از رحمتش بر بنده خاص خود زکریا سخن می‌گوید. (۲)  
a Reminder of your Lord's mercy towards his servant Zachariah (2)

إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَنِدَاءً خَفِيًّا ۝۳

(یاد کن حکایت او را) وقتی که خدای خود را پنهانی (و از صمیم قلب) ندا کرد. (۳)  
 when he appealed to his Lord with a suppressed cry. (3)

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي

عرض کرد که پروردگارا، استخوان من سست گشت  
 He said: "My Lord, my bones are tottering for me



وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا

و فروغ پیری بر سرم بتافت

and my head is glistening with white hair,

وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا

۴

و با وجود این من از دعا به درگاه کرم تو خود را هرگز محروم ندانسته‌ام. (۴)

while I have never been grumbling in my appeal to You, my Lord! (4)

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي

و من از این وارثان کنونی (که پسرعموهای من هستند) برای پس از خود بیمناکم (مبادا

**Yet I fear for my heirs after me**

وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا

که پس از من در مال و مقامم خلف صالح نباشند و راه باطل پویند) و زوجه من هم نازا

**while my wife is barren,**



فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ۝٥

و عقیم است، تو از لطف خاص خود فرزندی به من عطا فرما. (۵)  
so grant me goodly an heir from Your presense. (5)

ز يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ عَالِ يَعْقُوبَ

که او وارث من و همه آل یعقوب باشد  
who may inherit from me, and inherit from Jacob's house.



وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ۞

و تو ای خدا، او را وارثی پسندیده و صالح مقرر فرما. (۶)  
**Make him someone we can approve of, my Lord!" (6)**

يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ

ای زکریا همانا تو را به فرزندی  
**"Zachariah, We bring you news about a boy**



بِغُلَامٍ اِسْمُهُ يَحْيٰى

که نامش یحیی است

whose name will be John.

لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا

و از این پیش همنام و همانندش (در تقوا) نیافریدیم بشارت می دهیم. (۷)

We have not given such a name to anyone before." (7)



قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ

زکریا (از فرط شوق و شگفتی و برای حصول اطمینان) عرض کرد: الهها، مرا از

He said: "My Lord, how will I have a boy

وَكَانَتْ امْرَأَتِي عَاقِرًا

کجا پسری تواند بود در صورتی که زوجه من نازاست

while my wife is barren







وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا

و من هم از شدت پیری خشک و فرتوت شده‌ام؟! (۸)  
and I have reached such extreme old age?" (8)

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ

(فرشته‌ای از زبان خدا) گفت: چنین خواهد شد پروردگارت گوید:

He said: "Just as your Lord has said: 'It is a trifling thing for me [to do]."

# وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ

این کار برای من بسیار آسان است و منم که تو را پس از هیچ  
**I created you before**

# وَلَمْ تَلْ شَيْئًا

و معدوم صرف بودن، نعمت وجود بخشیدم. (۹)  
**while you were still nothing!" (9)**



قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ

زکریا باز عرضه داشت: بارالها، برای من نشانه و حجتی بر این بشارت قرار ده، خدا فرمود: بدین

He said: "My Lord, grant me a sign!" He said: "Your sign will be

الْأَتُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ۝۱۰

نشان که تا سه شبانه روز با مردم تکلم نکنی (و بر سخن قادر نباشی) با آنکه تندرست هستی. (۱۰)

that you will not speak to any people for three nights in a row." (10)

# فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ

پس زکریا در حالی که از محراب (عبادت)

**He came forth to his folk**

# مِنَ الْمِحْرَابِ

بر قومش بیرون آمد

**from the sanctuary**



# فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ

به آنان اشاره کرد که  
and revealed to them how


 أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

صبح و شام به تسبیح و نماز قیام کنید. (۱۱)  
they should glorify [God] both morning and evening. (11)



# يَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ ز

(چون زکریا ذکر تسبیح و نماز کرد ما به او یحیی را عطا کردیم و چون سه ساله شد به وی خطاب

"John, hold firmly to the Book."

# وَأَتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ۱۲

کردیم که) ای یحیی، تو کتاب آسمانی ما را به قوت (نبوت) فراگیر، و به او در همان سن کودکی

We gave him discretion as a young boy (12)



# وَ حَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَ زَكَاةً ز

مقام نبوت بخشیدیم. (۱۲) و نیز او را به لطف خاص خود رحمت و مهربانی  
plus compassion from Our presence and innocence.

# وَ كَانَ تَقِيًّا ۱۳

و پاکی و پارسایی دادیم و او طریق تقوا پیش گرفت. (۱۳)  
He was conscientious (13)



# وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ

و هم در حق پدر و مادر خود بسیار نیکوکار بود  
and considerate towards his parents,

وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا

۱۴

و هرگز به احدی ستم نکرد و معصیت خدا را مرتکب نگردید. (۱۴)  
and was not demanding, rebellious. (14)





وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ

و سلام حق براو باد در روز ولادتش و روز وفاتش

Peace be upon him the day he was born, and the day he will die,

وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۱۵

و روزی که زنده برانگیخته خواهد شد. (۱۵)

and the day he is raised to life again! (15)



# وَإِذْ كُنتُمْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذْتُمْ

و یاد کن در کتاب خود احوال مریم را آن گاه که از اهل خانه خویش

**Mention in the Book how Mary withdrew**

۱۶ **مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا**

کنار گرفته به مکانی به مشرق (بیت المقدس برای عبادت) روی آورد. (۱۶)

**from her people to an Eastern place. (16)**



فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا

و آن گاه که از همه خویشانش به کنج تنهایی محتجب و پنهان گردید  
**She chose to be secluded from them.**

فَارْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا

ما روح خود را (روح القدس که فرشته اعظم است) بر او فرستادیم  
**We sent her Our spirit,**



# فَتَمَثَّلَ لَهَا

و او در صورت بشری زیبا  
who presented himself

# بَشَرًا سَوِيًّا

۱۷

و راست اندام بر او ظاهر شد. (۱۷)  
to her as a full-grown human being. (17)



قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ

مریم گفت: من از تو پناه به خدای رحمان می برم

She said: "I take refuge with the Mercy-giving from you,

إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا



اگر مرد پرهیزکاری هستی. (۱۸)

unless you are someone who does his duty." (18)



قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ

گفت: من فرستادهٔ خدای توام،

He said: "I am only your Lord's messenger

لَا هَبَ لَكَ غُلَامًا زَكِيًّا

۱۹

آمده‌ام تا تو را پسری بخشم بسیار پاکیزه و پاک سیرت. (۱۹)

to bestow a clean-living boy on you." (19)



قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ

مریم گفت: از کجا مرا پسری تواند بود در صورتی که

She said: "How shall I have a boy when

وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا

دست بشری به من نرسیده و کار ناشایسته‌ای هم نکرده‌ام؟ (۲۰)

no human being has ever touched me, nor am I a loose woman?" (20)

# قَالَ كَذَلِكَ

گفت: این چنین کار البته خواهد شد،

He said: "Thus

# قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ

خدایت فرموده که بسیار بر من آسان است (تا قدرت ما را بر آن دریابی)

your Lord has said: 'It is a simple matter for Me [to do].





وَلِنَجْعَلَهُ <sup>و</sup>ءَايَةً لِلنَّاسِ

و تا این پسر را آیت بزرگ و رحمت واسع خود

We will grant him as a sign for mankind

وَرَحْمَةً <sup>ج</sup>مِنَّا وَكَانَ <sup>ج</sup>أَمْرًا <sup>ج</sup>مَقْضِيًّا

برای خلق گردانیم و قضای الهی بر این کار رفته است. (۲۱)

and a mercy from Ourselves.' It is a matter that has been decided." (21)

فَحَمَلَتْهُ

پس مریم (به مشاهده جبرئیل، در گریبانش نسیم اهتزازی یافت و) به آن پسر بار برداشت

So she conceived him,

فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا

۲۲

و (برای آنکه از سرزنش قوم جاهل برکنار باشد) با آن به مکانی دور خلوت گزید. (۲۲)

and withdrew to a remote place to have him. (22)



فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ

آن گاه درد زاییدن او را

Labor pains came over her

إِلَى جَذْعِ النَّخْلَةِ

به کنار درخت خرمايي کشانید

by the trunk of a datepalm.



قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَذَا

(و از شدت حزن و اندوه با خود) گفت: ای کاش من از این پیش مرده بودم

She said: "If only I had died before this,

وَكُنْتُ نَسِيًّا مَنَسِيًّا

۲۳

و از صفحهٔ عالم به کلی نامم فراموش شده بود. (۲۳)

and been forgotten, overlooked!" (23)



فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَا تَحْزَنِي

پس از زیر آن درخت (روح القدس یا فرزندش عیسی) او را ندا کرد

Someone called out to her from below where she was:

قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا

۲۴

که غمگین مباش که خدای تو از زیر قدم تو چشمه آبی جاری کرد. (۲۴)

"Don't feel so sad! Your Lord has placed a brook at your feet. (24)

۹۰  
وَهَزِي إِلَيْكَ بِجَذْعِ النَّخْلَةِ

شاخ درخت را به سوی خود حرکت ده

Shake the trunk of the datepalm towards you

تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا

تا از آن بر تو رطب تازه فرو ریزد. (۲۵)

so it will drop some fresh dates on you. (25)



فَكُلْ وَاشْرَبْ وَقَرِّ عَيْنًا ز

پس (از این رطب) تناول کن و (از این چشمه آب) بیاشام و چشم خود  
**Eat and drink, and refresh yourself.**

فَأَمَّا تَرِينٌ مِّنَ الْبَشَرِ أَحَدًا

(به عیسی) روشن دار، و هر کس از جنس بشر را که ببینی  
**Should you see even a single human being,**



فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا

(به اشاره) با او بگو: برای خدای رحمن نذر روزه (سکوت) کرده‌ام  
 then say: 'I have vowed to keep a fast to the Mercy-giving whereby

فَلَنْ أَكَلِمَ الْيَوْمَ أَن سِيَا

۲۶

و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت. (۲۶)  
 "I'll never speak to any person today!" (26)





فَاتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ وَ قَالُوا

آن گاه کودک را برداشته نزد قوم خود آورد گفتند:  
She carried him back to her family. They said:

يا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿٢٧﴾

ای مریم عجب کاری منکر و شگفت آور کردی! (۲۷)

"Mary, you have brought something hard to believe! (27)



يَا أُخْتِ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ

ای خواهر هارون، تو را نه پدری ناصالح بود

Kinswoman of Aaron, your father was no evil man,

سَوَاءٍ وَمَا كَانَتْ أُمِّكِ بَغِيًّا

۲۸

و نه مادری بدکار (پس تو دختر بکر از کجا فرزند یافتی)! (۲۸)

nor was your mother a loose woman." (28)



فَأَشَارَتْ إِلَىٰ ذَاكَ قَالُوا كَيْفَ

مریم به اشاره حواله به طفل کرد، آنها گفتند:

She pointed to him. They said: "How shall we talk

۲۹

وَنُكَلِّمُ مَن كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا

ما چگونه با طفل گهواره‌ای سخن گوئیم؟ (۲۹)

to someone who is a child in the cradle?" (29)



قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ؕ آتَانِي الْكِتَابَ

آن طفل (به امر خدا به زبان آمد و) گفت: همانا من بندهٔ خاص خدايم  
**He said: "I am God's servant. He has given me the Book**

وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ۝۳۰

که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود. (۳۰)  
**and made me a prophet. (30)**



وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا

و مرا هر کجا که باشم

He has made me blessed

أَيْنَ مَا كُنْتُ

ماییه برکت (و رحمت) گردانید،

wherever I may be,



# وَأَوْصَيْتَنِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ

و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات

and commissioned me to pray and [pay] the welfare tax

مَا دُمْتُ حَيًّا



سفارش کرد. (۳۱)

so long as I live; (31)



# وَبَرًّا بِوَالِدَتِي

و مرا نیکوکار به مادرم ساخت  
and [to act] considerate towards my mother.

# وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا

۳۲

و مرا ستمکار و شقی نگردانید. (۳۲)

He has not made me domineering, hard to get along with. (32)



# وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ

و سلام حق بر من است روزی که به دنیا آمدم و روزی که از جهان بروم  
**Peace be on the day I was born,**



# وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

و روزی که (برای زندگانی ابدی) باز زنده برانگیخته شوم. (۳۳)  
**and the day I shall die and the day I am raised to life again!" (33)**



# ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ز

این است (قضیه) عیسی بن مریم که مردم در امر خلقتش شک و ریب دارند،

Such was Jesus, the son of Mary;

# قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٣٤﴾

اکنون به سخن حق و صواب، حقیقت حالش بیان گردید. (۳۴)

[it is] a true statement which they are still puzzling over. (34)



مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وُلْدٍ  
 ز

خدا را هرگز نشاید که فرزندی اتخاذ کند،

It is not God's role to adopt a son.

سُبْحَانَ  
 وَجْهِهِ

که وی منزّه از آن است،

Glory be to Him!



# إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا

(او قادری است که) چون حکم نافذش به ایجاد چیزی تعلق گیرد

Whenever He determines upon some matter,

فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ

۳۵

همین که گوید: (موجود باش) بی درنگ آن چیز موجود می شود. (۳۵)

He merely tells it: "Be!", and it is. (35)



وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ

خداى يکتا پروردگار من و شماست، او را پرستيد

God is my Lord and your Lord, so worship Him [Alone].

هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

۳۶

که راه راست همين راه خداپرستى است. (۳۶)

This is a Straight Road [to follow]. (36)



# فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ

آن گاه طوایف مردم (یعنی نصاری) در میان خود (دربارهٔ مسیح پسر مریم) اختلاف کردند

**Factions have differed**

# مِنْ بَيْنِهِمْ

(برخی او را از کفر و جهل، خدا دانستند و برخی پسر خدا و برخی پسر یوسف نجارش خواندند)،

**among themselves,**



# فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

پس وای بر این مردم کافر

yet how awful will it be for those who disbelieve

# مِنْ مَّشْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيمٍ

۳۷

از حضور در آن روز بزرگ قیامت. (۳۷)

when it comes to the spectacle on such a dreadful day! (37)



# أَسْمِعْ بِهِمْ

روز محشر که خلق به سوی ما باز آیند

**Listen to them**

# وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا

چقدر شنوا و بینا شوند!

**and watch for the day when they will come to Us;**



# لَكِنَّ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ

ولی امروز (که باید حقیقت را بشنوند و ببیند) مردم ستمکار  
 though wrongdoers are

# فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

همه به گمراهی و ضلالت آشکار فرو رفته‌اند. (۳۸)  
 in obvious error even today. (38)





وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ

و (ای رسول ما) امت را از روز غم و حسرت (یعنی روز مرگ و قیامت) بترسان که آن روز  
Warn them of the Day of Regret when the matter will be decided:

وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

دیگر کارشان گذشته است و آنها سخت از آن روز غافلند و به آن ایمان نمی آورند. (۳۹)  
they act so heedless and still do not believe. (39)



# إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ

تنها ماییم که (پس از فنای خلق و انتقالشان به عالم آخرت) زمین

**It is We Who will inherit the Earth**

# وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ



و اهلش را وارث می شویم و همه به سوی ما بازگردانده خواهند شد. (۴۰)

**plus anyone on it; to Us shall they return! (40)**



# وَ اذْكُرْ فِي الْكِتَابِ اِبْرَاهِيمَ ج

و یاد کن در کتاب خود شرح حال ابراهیم را

**Mention Abraham in the Book.**

۴۱ **اِنَّهُ وَ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا**

که او شخص بسیار راستگو و پیغمبری بزرگ بود. (۴۱)

**He was a truthful prophet (41)**



إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ

هنگامی که با پدر خود (یعنی عموی خویش آزر) گفت: ای پدر،  
when he told his father: "My father, why do you worship

مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يَبْصُرُ

چرا بتی جماد را که چشم و گوش (و حس و هوشی) ندارد  
something that neither hears nor perceives [anything],





وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْءًا

و هیچ رفع حاجتی از تو نتواند کرد پرستش می‌کنی؟ (۴۲)  
and does not benefit you in any way? (42)

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ

ای پدر، مرا (از وحی خدا) علمی آموختند

My father, I have been given some knowledge



# مَا لَمْ يَأْتِكَ

که تو را آن علم نیاموخته اند،  
which has not come to you,

فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

۴۳

پس تو مرا پیروی کن تا به راه راستت هدایت کنم. (۴۳)  
so follow me: I'll guide you along a Level Road. (43)



يَا اَبِي لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ ز

ای پدر، هرگز شیطان را نپرست  
My father, do not serve Satan!

اِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمٰنِ عَصِيًّا ۴۴

که شیطان سخت با خدای رحمان مخالفت و عصیان کرد. (۴۴)  
Satan was defiant towards the Mercy-giving. (44)



يَا اَبَتِ اِنِّي اَخَافُ

ای پدر، از آن سخت می ترسم

My father, I fear lest some torment

اَنْ يَمْسَكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ

که از خدای مهربان بر تو قهر و عذاب رسد  
from the Mercy-giving should afflict you,







# فَتَكُونُ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

و (به دوزخ) با شیطان یار و یاور باشی. (۴۵)  
**and you become a partisan of Satan." (45)**

## قَالَ أَرَأَيْبُ أَنْتَ عَنْ ءَالِهَتِي

گفت: ای ابراهیم، تو مگر از خدایان من روگردان و بی عقیده شدی؟  
**He said: "Do you dislike my gods, Abraham?"**



۱۱۸  
ز

يَا اِبْرٰهِيْمُ لَنْ لَم تَنْتَه لَارْجَمْنٰكَ

چنانچه دست (از مخالفت بتان) برنداری بی گمان تو را سنگسار کنم،  
If you do not stop, I'll cast you out.

وَ اَهْجُرْنِي مَلِيًّا ۴۶

و گرنه سالها از من به دور باش. (۴۶)  
Leave me alone as soon as you can!" (46)



قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ <sup>ز</sup> سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ

باز ابراهیم گفت: سلامت باشی، من از خدای خود برای تو آمرزش  
He said: "Peace be upon you! I'll seek forgiveness for you"

رَبِّي <sup>س</sup> إِنَّهُ <sup>و</sup> كَانَ <sup>بِي</sup> حَفِيًّا <sup>س</sup>

۴۷

خواهم خواست، که او بسیار در حقّ من مهربان است. (۴۷)  
from my Lord; He has been so Gracious towards me. (47)



وَأَعْتَزُّكُمْ

من از شما

I'll move away from you (all)

وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

و بتانی که به جای خدا می پرستید دوری کرده

and from anything you appeal to instead of God.



# وَادْعُوا رَبِّي

و خدای یکتایم را می خوانم و امیدوارم که چون او را بخوانم  
I shall appeal to my Lord;

عَسَىٰ إِلَّا أَكُونُ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا ۗ

۴۸

از درگاه لطفش محروم نمانم (و مرا از شرّ مشرکان حفظ کند). (۴۸)  
perhaps I'll not feel quite so miserable with my Lord's appeal." (48)

فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ

و چون ابراهیم از آن قوم  
When he moved away

وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

و بتانی که به جای خدا می پرستیدند دوری گزید  
from them and what they worshipped instead of God,



ز وَهَبْنَا لَهُ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ

ما هم (به لطف و رحمت خود) به او اسحاق و (فرزند او) یعقوب را عطا کردیم

We bestowed Isaac and Jacob on him.

وَ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ۴۹

و به همه شرف نبوت بخشیدیم. (۴۹)

Each We made a prophet. (49)



وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا

و آنها را از رحمت خود بهره مند ساختیم  
We bestowed some of Our mercy on them

وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا<sup>ع</sup>

و بر زبان عالمی آوازه نکونامی شان را بلند گردانیدیم. (۵۰)  
and granted them a sublime tongue for telling truth. (50)





وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ

و یاد کن در کتاب خود شرح حال موسی را که او

Mention Moses in the Book. He was

كَانَ مُخْلِصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

بنده‌ای برگزیده و رسولی بزرگ و مبعوث به پیمبری بود. (۵۱)

sincere, and was a messenger, a prophet. (51)



وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ

و ما او را از جانب راست (وادی مقدس) طور ندا کردیم

We called out to him from the right side of the Mountain,

وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا

۵۲

و به مقام قرب خود برای استماع کلام خویش برگزیدیم. (۵۲)

and brought him close to confide in. (52)



وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا

و از لطف و مرحمتی که داشتیم برادرش هارون پیامبر را  
**We bestowed his brother Aaron on him**

أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا

نیز (برای مشارکت و مساعدت او) به او عطا کردیم. (۵۳)  
**as a prophet through Our mercy. (53)**



وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ وَكَانَ

و یاد کن در کتاب خود شرح حال اسماعیل را که  
Mention Ishmael in the Book. He kept true

صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

بسیار در وعده صادق و رسول و پیغمبری بزرگوار بود. (۵۴)  
to the Promise, and was a messenger, a prophet. (54)



وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ **و** بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ

و همیشه اهل بیت خود را به ادای نماز و زکات امر می کرد  
 He used to order his people to pray and [pay] the welfare tax;

وَكَانَ **عِنْدَ رَبِّهِ** مَرْضِيًّا **۵۵**

و او نزد خدایش بنده ای پسندیده بود. (۵۵)  
 he was approved by his Lord. (55)



# وَإِذْ كُرِّفِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ ج

و یاد کن در کتاب خود احوال ادريس را

**Mention Idris in the Book.**

إِنَّهُ وَكَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ٥٦

که او شخصی بسیار راستگو و پیغمبری عظیم الشان بود. (۵۶)

**He was a truthful prophet; (56)**



# وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا



و مقام او را بلند و مرتبه‌اش را رفیع گردانیدیم. (۵۷)

**We raised him to a lofty place. (57)**

## أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

اینان (که از زکریا تا ادریس اوصافشان یاد شد) همان رسولانی هستند

**Those are some of the prophets**



مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ

که خدا از میان همهٔ اولاد آدم

from Adam's offspring whom God has favored,

وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ

و اولاد آنان که با نوح در کشتی نشانیدیم

and some of those We transported along with Noah,





وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ

و اولاد ابراهیم و یعقوب و دیگر کسان که هدایت کرده و برگزیدیم،  
and some of Abraham's and Ishmael's offspring,

وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا

آنها را به لطف و انعام خود مخصوص گردانید  
as well as some (others) We have guided and chosen.



# إِذَا تُلِّيَ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ

(و حال آنها در بندگی چنان است) که هر گاه آیات خدای رحمن بر آنها  
Whenever the Mercy-giving's signs are recited to them,

خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًا  ٥٨ 

سجده مستحب

تلاوت شود با گریه (شوق و محبت) روی اخلاص بر خاک نهند. (۵۸)  
they drop down on their knees and weep! (58)



فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ

سپس جانشین آن مردم خداپرست قومی شدند

Descendants have replaced them

أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ

که نماز را ضایع گذارده و شهوتهای نفس را پیروی کردند

who neglected prayer and followed [their own] passions.



# فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا



و اینها به زودی کیفر گمراهی را خواهند دید. (۵۹)

**They shall meet with aimlessness (59)**

# إِلَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا

مگر آن کس که توبه کند و ایمان آرد و نیکوکار شود،

**except for anyone who turns around (in repentance) and believes,**



فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

که آنان در این صورت بی هیچ ستم  
and acts honorably; those will enter the Garden

وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا

۶۰

به بهشت ابد داخل خواهند شد. (۶۰)  
and not be harmed in any way— (60)



# جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ وَ

آن بهشتهای عدنی که خدای مهربان برای بندگان (صالح) خود در غیب  
 —the gardens of Eden which the Mercy-giving has promised His servants even

# بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا ﴿٦١﴾

این جهان وعده فرمود، و البته وعده خدا، یقین به انجام می رسد. (۶۱)  
 though [they are still] Unseen. So far as He is concerned, His promise has

لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا

در آن بهشت هرگز سخن لغوی نشنوند بلکه همه گفتارشان سلام (و ستایش  
already been fulfilled. (61) They will hear no nonsense in it, only: "Peace!"

وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

یکدیگر) است و در آنجا روزی آنها صبح و شام (بی هیچ رنج) به آنها می‌رسد. (۶۲)  
(as a greeting); they will have their provision there both morning and evening: (62)

# تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا

این همان بهشتی است که ما بندگان پاک متقی خود را

Such is the Garden which We bequeath to those of Our servants

# مَنْ كَانَ تَقِيًّا



بالخصوص وارث آن می گردانیم. (۶۳)

who have been pious. (63)





وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ

و ما (رسولان و فرشتگان خدا) جز به امر خدای تو از عالم بالا نازل نمی شویم،  
**We never descend except at your Lord's command.**

لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا

اوست که بر همهٔ جهانهای پیش رو و پشت سر ما  
**He owns whatever is in front of us and whatever is behind us,**



# وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ ج

و بین آنها هر چه هست به احاطه علمی آگاه است  
and whatever lies in between.

# وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا ٦٤

و پروردگارت هرگز چیزی را فراموش نخواهد کرد. (۶۴)  
Your Lord is not forgetful, (64)



# رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

همان خدایی که آفریننده آسمانها و زمین است  
[for He is] the Lord of Heaven and Earth

## وَمَا بَيْنَهُمَا

و هر چه بین آنهاست،  
and whatever lies in between them!



# فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ ج

پس باید همان خدای یکتا را پرستش کنی و البته در راه بندگی او صبر و تحمل کن (که اگر  
So serve Him and persevere in His worship.

# هَلْ تَعْلَمُ لَهُ وَ سَمِيًّا ع

٦٥

اورا به خدایی نپرستی) آیا دیگری را مانند او به نام خدا (بی لایق پرستش) خواهی یافت؟ (۶۵)  
Do you know of any other title for Him?" (65)



# وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ

و انسان (بیچاره در امر معاد شک کند و) گوید: آیا چون من بمیرم

**Everyman says:**

عَإِذَا مَا مِثْلُ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا

۶۶

باز به زودی مرا از قبر بیرون آورده و زنده خواهند کرد؟! (۶۶)

**"When I die will I be brought forth alive [again]?" (66)**



أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ

آیا آدمی (برای ایمان به معاد) متذکر آن نمی شود که اول که

Does man not recall that We already created him

مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَلُ شَيْئًا

هیچ محض و معدومِ صرف بود ما او را ایجاد کردیم؟ (۶۷)

once when he was nothing? (67)



فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ

قسم به خدای تو که البته آنها را با شیاطین در قیامت محشور می‌گردانیم،

By your Lord, We shall summon both them and the devils;

ثُمَّ لَنَحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا

آن گاه همه را احضار خواهیم کرد تا گرد آتش جهنم به زانو درآیند. (۶۸)

then We shall parade them forth to crouch around Hell! (68)



ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شَيْعَةٍ

سپس هر که عتو و سرکشی بر فرمان خدای مهربان بیشتر کرده

Next We shall drag those away from every sect

أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا ٦٩

یک یک را از هر فرقه بیرون آریم (تا به دوزخ درافکنیم). (۶۹)

who have been the most insolent towards the Mercy-giving. (69)





ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ

آن گاه ما آنهايي را که سزاوارتر به درآمدن  
Thus We are quite Aware as to who are

۷۰ هُمُ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا

به آتش دوزخند بهتر می شناسیم. (۷۰)  
the closest to roasting in it; (70)



وَأَنْتَ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا ج

و هیچ یک از شما (نوع بشر) باقی نماند جز آنکه  
there is not one of you but he will be led up to it.

كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ٧١

به دوزخ وارد شود این حکم حتمی پروردگار توست. (۷۱)  
That is a decree determined by your Lord. (71)



ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا

پس از ورود همه در دوزخ، ما افرادی را که خداترس و باتقوا بوده‌اند نجات

Then We shall save those who have heeded

وَنَذِّرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جثيًا ٧٢

خواهیم داد و ستمکاران را فرو گذاریم تا در آن آتش به زانو درافتند. (۷۲)

and leave the wrongdoers crouching inside. (72)



وَإِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ

و هر گاه (در فضیلت مؤمن بر کافر) آیات واضحۀ ما بر مردم تلاوت شود  
Whenever Our clear signs are recited to them,

قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا

کافران (غنی و متکبر) به مؤمنان (در مقام مفاخره) گویند:  
those who disbelieve say to those who believe:



# أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا

کدام یک از ما دو فرقه مقاماتمان بهتر و مجلس

"Which group is better in status

# وَأَحْسَنُ نَدِيًّا



و انجمنمان نیکوتر خواهد بود؟ (۷۳)

and a finer club to join?" (73)



وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ

در صورتی که ما پیش از این کافران چه گروه‌های بسیاری را که از اینها  
**How many generations have We wiped out before them**

هُم أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِعْيًا ۷۴

داراتر و خوشتر بودند همه را هلاک گردانیدیم. (۷۴)  
**who were even finer in equipment and appearance! (74)**



# قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ

بگو که هر کس که به راه کفر و ضلالت رفت

**SAY: "May the Mercy-giving extend an opportunity**

# فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدَا

خدای مهربان به او مهلت می دهد

**to anyone who has been in error**



# حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا

تا آن ساعت که وعدهٔ عذاب را به چشم خود ببینند  
so that when they see

# مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ

که یا عذاب (قتل و اسیری) چشد یا ساعت قیامت وی را فرا رسد،  
what they are threatened with,





وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ

پس کافران به زودی خواهند دانست که (از مؤمن و کافر)  
whether it is torment or even the Hour, they will know

شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا

۷۵

کدام یک روزگارش بدتر و سپاهش ضعیف تر است! (۷۵)  
who is in a worse plight and has the weakest following. (75)



وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى

و خدا هدایت یافتگان را بر هدایت می افزاید

God increases guidance for those who have consented to be guided,

وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ

و اعمال صالحی که (اجرش نعمت) ابدی است

while honorable deeds



# خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا

نزد پروردگار تو بهتر (از مال و جاه فانی دنیا) است هم از جهت ثواب الهی  
**that endure are best with your Lord as a recompense**

و خَيْرٌ مَرَدًا

۷۶

و هم از جهت حسن عاقبت اخروی. (۷۶)  
**and yield the best returns. (76)**



# أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا

(ای رسول) دیدی حال آن کس را که به آیات ما کافر شد (مانند عاص بن وائل کافر) و (به)

**Have you seen someone who disowns Our signs**

# وَقَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَوَلَدًا



خَبَّاب بن اَرْت مؤمن به استهزاء و مسخره) گفت: من البته مال و فرزند بسیار (در بهشت هم)

**and says: "I shall still be given wealth and children"? (77)**



# أَطَّلَعَ الْغَيْبِ

خواهم داشت (و آنجا طلب تو را می دهیم)؟! (۷۷) آیا بر عالم غیب آگاهی یافته یا از خدای

Has he probed the Unseen



# أَمْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

رحمن (بر خود) عهدهی گرفته است (که در عالم آخرت هم دارای نعمت و ثروت باشد)؟ (۷۸)

or made a pledge with the Mercy-giving? (78)



كَلَّا ج سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ

هرگز چنین نیست، ما البته آنچه گوید  
Not at all! We shall write down anything

۷۹

وَنَمُدُّ لَهُ مِنْ الْعَذَابِ مَدًّا

خواهیم نوشت و سخت بر عذابش خواهیم افزود. (۷۹)  
he says and extend a chance of torment to him; (79)



# وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ

و آنچه (از مال و متاع و فرزند) که (به مفاخرت و غرور دائم) در گفتار داشت

**We will inherit anything he says,**

# وَيَأْتِينَا فَرْدًا



ما وارث آن شویم و او بی کس و تنها به جانب ما بازآید. (۸۰)

**and he will come to Us as an individual. (80)**



وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً

و مشرکان، خدای یگانه را ترک گفته و خدایان باطل (مانند بتها و فراعنه)

**They have adopted other deities instead of God,**

لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا



را برای عزت و احترام دنیوی بر گرفتند. (۸۱)

**so they will mean [more] influence for them. (81)**





كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ

چنین نیست، بلکه به زودی پرستش آن خدایان باطل را انکار کنند  
 Not at all! The [false gods] will reject their own worship

وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا



و به خصومت آنها برخیزند. (۸۲)  
 and pit themselves against them. (82)



أَلَمْ تَرَ أَنَا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ

آیا ندیدی که ما شیاطین را بر سر کافران فرستادیم تا سخت آنها را تحریک کند

Have you not seen how We send devils

عَلَى الْكَافِرِينَ تَوَّزَّهُمْ أَزًا

۸۳

(و به وهم و خیالات باطل دنیا آنان را به گناه اندازند و از سعادت ابد محرومشان سازند)؟ (۸۳)

to disbelievers, to provoke them to fury? (83)



فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ز

پس تعجیل در کار آنها مکن

So do not act hasty towards them;



إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا

که ما حساب (روز و ساعت عذاب) آنان را کاملاً در نظر داریم. (۸۴)

We are only counting out so much [time] for them. (84)



# يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ

(یاد آور) روزی که متقیان را به سوی خدای مهربان  
Some day We shall summon the heedful in a delegation

إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا

۸۵

به اجتماع محشور گردانیم. (۸۵)  
before the Mercy-giving, (85)



# وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ

و بدکاران را تشنه لب  
and drive criminals



# إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا

به سوی آتش دوزخ برانیم. (۱۶)  
in a drove towards Hell. (86)



# لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ

در آن روز هیچ کس مالک شفاعت نباشد مگر کسی که (به پرستش حق)

**They will possess no power of intercession except for someone**



# إِلَّا مَنْ أَخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

از خدای مهربان عهدنامه (توحید کامل و شفاعت) دریافت کرده است. (۸۷)

**who has already accepted a pledge from the Mercy-giving. (87)**





وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

و کافران گفتند که خدای رحمان فرزند بر گرفته! (۸۸)  
**They say: "The Mercy-giving has adopted a son! (88)**



لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا

(ای کافران) همانا شما سخنی بسیار زشت و منکر بر زبان آوردید. (۸۹)  
**You have brought up something monstrous! (89)**



# تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ

نزدیک است از این گفته زشت و عقیده باطل آسمانها

The heavens almost burst apart from it, while the earth splits

# وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًا

از هم فرو ریزد و زمین بشکافد و کوهها متلاشی گردد. (۹۰)

open and the mountains fall down with a crash (90)





أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾ وَ مَا يَنْبَغِي

چرا که برای خدای مهربان، فرزندی (مسیح و عزیز و ملایک را) دعوی کردند. (۹۱) در صورتی  
that anyone should ascribe a son to the Mercy-giving! (91)

لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾

که هرگز خدای رحمن را (که منزه از مثل و مانند است) فرزند داشتن سزاوار نخواهد بود. (۹۲)  
It is not proper for the Mercy-giving to adopt a son. (92)

إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

بلکه هیچ موجودی در آسمانها و زمین نیست  
Everyone who is in Heaven and Earth comes

إِلَّا آتَى الرَّحْمَنَ عَبْدًا ۙ (۹۳)

جز اینکه خدا را بنده فرمانبردار است. (۹۳)  
to the Mercy-giving merely as a servant; (93)



۹۴

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا

محققاً او به شمارهٔ همهٔ موجودات کاملاً آگاه است. (۹۴)

He numbers them and counts them up. (94)

۹۵

وَ كُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا

و تمام آنها روز قیامت منفرد و تنها به پیشگاه حضرتش حضور می یابند. (۹۵)

Each of them is coming to Him on Resurrection Day as an individual. (95)

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

همانا آنان که به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند

The Mercy-giving will grant affection to those

سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

خدای رحمان آنها را (در نظر خلق و حق) محبوب می‌گرداند. (۹۶)

who believe and perform honorable deeds. (96)



فَإِنَّمَا يَسِّرُنَا هُ بِلسَانِكَ لِتُبَشِّرَ

ما حقایق این قرآن را بی تردید به زبان تو سهل و آسان کردیم تا به آن،

We have made it easy for your tongue so you may announce good news about

بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ۹۷

اهل تقوا را بشارت دهی و معاندان لجوج را بترسانی. (۹۷)

it to those who do their duty, and warn headstrong folk by means of it. (97)

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ

و چه بسیار اقوامی از اهل عناد را که پیش از این معاندین، هلاک ساختیم! آیا چشم تو  
How many generations have We wiped out before them? Do you find

مِنْهُمْ مِنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْرًا

به احدی از آنها دیگر خواهد افتاد؟ یا کمترین صدایی از آنان خواهی شنید؟ (۹۸)  
any trace of even one of them, or hear a murmur from them? (98)

سوره ۲۰ - ۱۳۵ آیه - مکی ﴿سُورَةُ طه﴾

Surah 20: (Taha)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



# طه ۱ مَا أَنْزَلْنَا

طه (ای مشتاق حق و هادی خلق). (۱) ما قرآن را از آن بر تو نازل نکردیم که (از

T.H. (1) We have not sent the Qur'an

# عَلَيْكَ الْقُرْءَانَ لِتَشْقَى ۲

کثرت عبادت خدا و جهد و کوشش در هدایت خلق) خویشتن را به رنج درافکنی. (۲)

down to you in order to upset you, (2)





إِلَّا تَذِكْرًا لِمَنْ يَخْشَى ۝ (۳) تَنْزِيلًا مِمَّنْ

تنها غرض از نزول قرآن آن است که مردم خداترس را متذکر و بیدار سازی. (۳)  
 but only as a Reminder for someone who acts cautiously; (3) [it is] a

خَلَقَ الْأَرْضَ وَالسَّمَوَاتِ الْعُلَى ۝ (۴)

این کتاب بزرگ، فرستاده آن کسی است که زمین و آسمانهای بلند را آفرید. (۴)  
 revelation from the One Who created the earth and the highest heavens, (4)

# الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى ﴿٥﴾

آن خدای مهربانی که بر عرش (عالم وجود و کلیه جهان آفرینش به علم و  
**the Mercy-giving [Who is] settled on the Throne. (5)**

## لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

قدرت) مستولی و محیط است. (۵) هر چه در آسمانها و زمین  
**He owns whatever is in Heaven and whatever is on Earth,**



وَمَا بَيْنَهُمَا

و بین آنها و زیر کره خاک  
as well as whatever lies in between them,

وَمَا تَحْتِ الثَّرَى



موجود است همه ملک اوست. (۶)  
and what lies underneath the sod. (6)



# وَإِنْ تَجَهَّرَ بِالْقَوْلِ

و اگر به آواز بلند یا آهسته سخن گویی (یکسان است که)

**No matter whether you speak out loud, He still knows**

فَإِنَّهُ **و** يَعْلَمُ السِّرَّ **و** أَخْفَى



همانا خدا بر نهان و مخفی ترین امور جهان کاملاً آگاه است. (۷)

**your secrets and what is even more suppressed. (7)**



اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

به جز خدای یکتا که همه اسماء  
**God, there is no deity except Him!**

لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

و صفات نیکو مخصوص اوست خدایی نیست. (۸)

**His are the Finest Names! (8)**





# وَهَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَى

و آیا داستان موسی به تو رسیده است؟ (۹)

Has Moses' story ever reached you? (9)

## إِذْ رَأَى نَارًا فَقَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا

آن گاه که آتشی مشاهده کرد و به اهل بیت خود (که در بیابان سرد به آتش محتاج

Once he saw a fire and told his family: "Wait here;



إِنِّي عَانَسْتُ نَارًا

بودند) گفت: اندکی مکت کنید که از دور آتشی به چشم دیدم،

I have glimpsed a fire.

لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ

باشد که یا پاره‌ای از آن آتش بر شما بیاورم

Maybe I can bring you a live coal from it,



# أَوْ أَجِدْ عَلَى النَّارِ هُدًى ۱۰

یا از آن (به جایی) راه یابم. (۱۰) چون موسی به آن آتش نزدیک شد  
 or find some guidance at the fire." (10)

# فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَى ۱۱

(در میان درختی آتشی روشن دید و از آنجا) ندا شد که ای موسی، (۱۱)  
 As he came up to it, [a voice] called out: "Moses, (11)





إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ

منم پروردگار تو، نعلین (همه علایق غیر مرا) از خود به دور کن

I am your Lord! Take off your sandals;

إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

۱۲

که اکنون در وادی مقدس طوی (و مقام قرب ما) قدم نهاده‌ای. (۱۲)

you are in the sacred valley of Tuwa. (12)



وَإِنَّا اخْتَرْنَاكَ

و من تورا (به رسالت خود) برگزیدم،  
I have chosen you,

فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ ۱۳

در این صورت به سخن وحی گوش فرا ده. (۱۳)  
so listen to whatever is revealed: (13)



إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي

منم خدای یکتا که هیچ خدایی جز من نیست، پس مرا (به یگانگی) پرست

I am God [Alone]! There is no deity except Myself, so serve Me

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي ۱۴

و نماز را مخصوصاً برای یاد من به یادار. (۱۴)

and keep up prayer to remember Me by. (14)



# إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أَخْفِيهَا

و محققاً ساعت قیامت خواهد رسید و من خواهم که آن ساعت را پنهان دارم  
**The Hour is coming! I am keeping it hidden so that each soul**

لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ ۝۱۵

تا (مردم آزمایش شوند و) هر نفسی به پاداش اعمالش در (آن روز) برسد. (۱۵)  
**may be rewarded for whatever it accomplishes. (15)**



فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا

پس زنهار مردمی که به قیامت ایمان ندارند و پیرو هوای نفسند تو را از یاد  
So do not let anyone who does not believe in it and follows his own

وَ اتَّبِعْ هَوَاهُ فَتَرْدِي

۱۶

آن (روز هولناک) بازندارند و غافل نکنند وگرنه هلاک خواهی شد. (۱۶)  
passion, bar you from it so that you perish! (16)





وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى

و ای موسی، اینک بازگو تا چه به دست راست داری؟ (۱۷)  
 What do you have in your right hand, Moses ?" (17)

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا

موسی عرضه داشت: این عصای من است که بر آن تکیه می‌زنم  
 He said: "It is my staff. I lean on it,



وَأَهْشُ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي

و با آن از درختان بر گوسفندانم برگ می ریزم و حوائجی دیگر  
and beat down fodder for my sheep and goats with it;

وَلِي فِيهَا مَآرِبٌ أُخْرَىٰ ۱۸

(چون مدد راه رفتن و دفع دشمن و غیره) نیز به آن انجام می دهم. (۱۸)  
and I have still other uses for it." (18)



# قَالَ أَلْقِهَا يَا مُوسَى

۱۹

خدا فرمود: ای موسی این عصا بیفکن. (۱۹) موسی چون آن را  
 He said: "Toss it down, Moses." (19) So he threw it down,

# فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى

۲۰

به زمین افکند عصا اژدهایی مهیب شد که (به هر سو) می شتافت. (۲۰)  
 and just imagine, it became a snake that crawled along! (20)



ز  
قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ

باز (حضرت احدیت) فرمود: عصا را برگیر و از آن مترس  
He said: "Pick it up, and do not be afraid."

سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَى  
۲۱

که ما آن را به حالت اولش برمی گردانیم. (۲۱)  
We shall return it to its original shape. (21)



وَاضْمَمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجْ

و دست به زیر بغل خود بر تا دستی بی هیچ عیب، سپید  
 And stick your hand under your armpit: it will come out

۲۲

بَيِّضَاءَ مِنْ غَيْرِ سَوْءٍ ؕ آيَةٌ أُخْرَىٰ

و رخشان بیرون آید و این معجزه دیگر تو خواهد بود. (۲۲)  
 white without [showing] any blemish, as another sign (22)





لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى

تا باز هم از آیات بزرگ خود به تو ارائه دهیم. (۲۳)

So that We may show you some of Our greatest signs! (23)

أَذْهَبْ إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى

اینک (به رسالت) به جانب فرعون روانه شو که وی سخت طغیان کرده است. (۲۴)

Go to Pharaoh; he has been so arrogant." (24)



# قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

۲۵

موسی عرضه داشت: پروردگارا، شرح صدرم عطا فرما (که از جفا و آزار مردم  
He said: "My Lord, ease my breast for me! (25)

# وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

۲۶

تنگدل نشوم). (۲۵) و کار مرا برایم آسان گردان. (۲۶)  
Make my affair easier for me, (26)



۲۷

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي

و عقده را از زبانم بگشا. (۲۷)

and loose a knot from my tongue (27)

۲۸

يَفْقَهُوا قَوْلِي

تا مردم سخنم را نیکو فهم کنند. (۲۸)

So they may understand whatever I say. (28)



۲۹

وَاجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي

و نیز از اهل بیت من یکی را وزیر و معاون من فرما. (۲۹)

Grant me a helpmate from my own people, (29)

۳۱

هَارُونَ أَخِي ۳۰ أَشُدُّ بِهِ أَزْرِي

برادرم هارون را (وزیر من گردان). (۳۰) پشت مرا به او محکم کن. (۳۱)

Aaron, my brother. (30) "Back me up by means of him (31)



وَ أَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي ۳۲

و او را در امر (رسالت با) من شریک ساز. (۳۲)  
and let him share in my affair (32)

كِي نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ۳۳

تا دائم به ستایش و سپاس تو پردازیم. (۳۳)  
so that we may glorify You frequently (33)



۳۴

وَنَذْكُرْكَ كَثِيرًا

و تورا بسیار یاد کنیم. (۳۴)  
and mention You often, (34)

۳۵

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا

که همانا بس تویی بصیر به احوال ما. (۳۵)  
since You have been Observant of us." (35)






 ۳۶

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى

پروردگار فرمود: ای موسی آنچه از ما خواستی همه به تو اعطا گردید. (۳۶)

He said: "You have been granted your request, Moses. (36)"


 ۳۷

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً أُخْرَى

و همانا ما بر تو بار دیگر نیز منت بزرگی نهادیم. (۳۷)

We endowed you another time (37)





إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ

آن هنگام که (برای حفظ جان تو از بلای فرعونیان) به مادرت وحی مهمی  
**when We revealed whatever was revealed to your mother: (38)**

أَنْ أَقْدِفِيهِ فِي التَّابُوتِ

نمودیم. (۳۸) که کودک خود را در صندوقی گذار  
**'Cast him into the chest,**



فَاقْذِرْ فِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ

و به دریا افکن و باید که امواج دریا کودک را به ساحل

and toss it into the river. The current will throw him up on the shore

بِالسَّاحِلِ يَأْخُذُهُ عَدُوِّي وَعَدُوْلَهُ

رساند تا دشمن من و آن طفل (یعنی فرعون) از دریا طفل را برگیرد

where an enemy of Mine as well as an enemy of his will pick him up.

# وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي

و من به لطف خود از تو بردلها (ی دشمن و دوست) محبت افکندم (تا تو  
 "I have lavished love of My own on you

# وَلِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي

۳۹

را دوست بدارند) و تا تربیت و پرورشت زیر نظر من انجام گیرد. (۳۹)  
 so that you might be made into My darling. (39)



إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ

آن گاه که (از مادر دور افتادی) خواهرت (در پی تو) روان بود (تا تو را نزد فرعونیان یافت) و  
So your sister was walking along, and said: 'Shall I lead you

عَلَىٰ مَنْ يَكْفُلُهُ

می گفت: می خواهید یکی را که (شیر و تربیت) این طفل را تکفل کند به شما معرفی کنم؟  
to someone who will take care of him?'



# فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ

پس ما (بدین وسیله) تو را به مادرت برگردانیدیم

**Thus We returned you to your mother**

# كَيْ تَقْرَ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ

تا به دیدار تو دیده‌اش روشن گردد و دیگر اندوه نخورد.

**to comfort her and so she would not feel so sad.**



# وَقَتَلْتَ نَفْسًا

و (باز منت دیگر آنکه) یک نفر (از فرعونیان) را کشتی و ما از غم آن نیز  
 "You killed a soul"

فَنَجِّينَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ج

تو را نجات دادیم و بارها تو را به امتحان و ابتلای سخت بیازمودیم،  
 and We saved you from grief. We tested you severely,



فَلَبِثْتُ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ

پس چند سالی در میان مردم مدین زیستی  
and you stayed among the people of Midian for years.

ثُمَّ جِئْتُ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ ٤٠

تا آنکه حال ای موسی به موقع آمدی (تا به مقام نبوت برسی). (۴۰)  
Then you came just as fate [decreed], Moses. (40)







# وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

و تو را برای (مقام رسالت و محبت) خود پروردم. (۴۱)

**I have produced you for Myself. (41)**

# أَذْهَبْ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي

اکنون تو و برادرت با معجزات و آیاتی که به شما دادم (از پی رسالت خود) بروید

**Take My signs away, both you and your brother,**



۴۲

وَلَا تَنْبِيَا فِي ذِكْرِي

و سستی در ذکر من (در نزد فرعون) روا مدارید. (۴۲)  
and do not neglect to mention Me. (42)

۴۳

أَذْهَبًا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

بروید به سوی فرعون که او سخت به راه طغیان شتافته است. (۴۳)  
Go to Pharaoh; he has been so arrogant. (43)



فَقُولَا لَهُ وَقَوْلًا لِّنَا

و با او کمال آرامی و نرمی سخن گوید،

Speak a soft word to him

۴۴

لَعَلَّهُ وَيَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى

باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد (و ترک ظلم کند). (۴۴)

so that he may be reminded or even feel afraid." (44)



قَالَ رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا

موسی و هارون عرض کردند: بارالها، می ترسیم که فرعون بی درنگ بر ما  
 They both said: "Our Lord, we fear lest he crack down on us

أَوْ أَنْ يَطْغَى ٤٥

ظلم و عقوبت کند یا بر کفر و سرکشی خود بیفزاید. (۴۵)  
 or that he should act arrogant." (45)



# قَالَ لَا تَخَافَا ۚ

خدا فرمود: هیچ نترسید

He said: "Do not fear;


 اِنِّي مَعَكُمْ اَسْمَعُ وَاَرَى

که من با شمایم (و همه گفتار و رفتار شما را با او) می شنوم و می بینم. (۴۶)

I am with you both. I both hear and see. (46)



فَاتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ

اینک هر دو به جانب فرعون رفته و بگویند که ما دو رسول پروردگار توایم،

Go to him and say: 'We are both messengers from your Lord.'

مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ

پس بنی اسرائیل را با ما فرست و (بیش از این) عذاب به آنها نکن،

Send the Children of Israel away with us and do not torment them. 

ز  
قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكَ

که همانا ما با آیت و معجزه‌ای از جانب خدای آفریننده تو نزد تو آمده‌ایم،

We have brought you a sign from your Lord,

وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ ۗ

۴۷

و سلام (حق) بر آن کس که طریق هدایت را پیروی کند. (۴۷)

and may "Peace be upon whoever follows guidance ." (47)



# إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ

به ما چنین وحی شده که همانا عذاب (سخت خدا) بر آن کس است  
**As for us, it has been revealed to us that torment is due anyone**

# عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ



که (خدا و رسولانش را) تکذیب کند و (از حق) روی بگرداند. (۴۸)  
**who says it is a lie and turns away!" (48)**







قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى

فرعون گفت: ای موسی، خدای شما کیست؟ (۴۹)

He said; "Who is Lord for both of you, Moses?" (49)

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي

موسی پاسخ داد که خدای ما آن کسی است که همه موجودات عالم را

He said: "Our Lord is the One





أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ

نعمت وجود خاص خودش بخشیده و سپس (به راه کمالش) هدایت کرده است. (۵۰)

Who has given everything its own constitution; then guided it." (50)



قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ

فرعون گفت: پس حال اقوام سلف (که خداشناس و خداپرست نبودند) چیست؟ (۵۱)

He said: "So what was the attitude during earlier centuries?" (51)

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ

موسی پاسخ داد که احوالشان به علم ازلی خدای من در کتاب (لوح محفوظ)  
 He said: "Knowledge concerning them rests in a Book with my Lord."

لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسِي

۵۲

ثبت است هرگز از حال احدی، خدای مرا خطا و فراموشی نیست. (۵۲)  
 My Lord neither misses anything, nor does He forget, (52)



الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا

همان خدایی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد

[since he is the One] Who has laid out the earth as a carpet for you

وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا

و در آن راهها برای شما پدید آورد

and has traced highways on it for you,



وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ

و هم از آسمان آب نازل کرد تا به آن آب آسمانی

and sent down water from the sky. We have brought forth

أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى

انواع نباتات مختلف از زمین برویانیدیم. (۵۳)

every sort of plant with it, of various types. (53)



كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ ط

شما از آن نعمتها تناول کنید و چهارپایانتان را هم بچرانید،

**Eat and pasture your livestock [on it];**

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى ع

۵۴


که همانا در این کار آیاتی (از ربوبیت) برای خردمندان پدیدار است. (۵۴)

**in that are signs for men of accomplishment. (54)**



مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ 

ما شما را هم از این خاک آفریدیم و هم به این خاک بازمی‌گردانیم  
 "From it We have created you and We will return you to it,

وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى 

و هم بار دیگر (روز قیامت) از این خاک بیرون می‌آوریم. (۵۵)  
 and from it shall We bring you forth for another chance." (55) 

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا

و همانا ما به فرعون (به واسطه موسی) همه آیات روشن خود را نمودیم  
**Yet We showed him all Our signs,**

فَكَذَّبَ وَأَبَى

و او همه را تکذیب کرد و از آنها سرباز زد. (۵۶)

**and he said they were lies and rejected them! (56)**





قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا

فرعون گفت: ای موسی، تو آمده‌ای به طمع آنکه ما را از کشورمان

He said: "Have you come to us to turn us out of our land

بِسِحْرِكَ يَا مُوسَى (۵۷)

به سحر و شعبده خود بیرون کنی؟ (۵۷)

through your magic, Moses? (57)



فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرِ مِثْلِهِ

ما ہم در مقابل سحر تو سحری البتہ خواہیم آورد

We will bring magic to match it,

فَأَجْعَلُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا

پس میان ما و خودت موعدی معین کن

so make an appointment between us



لَا نُخْلِفُهُ وَنَحْنُ

که بی آنکه هیچ یک از ما خلف وعده کنیم  
and you in some convenient place

وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سَوَىٰ

۵۸

در سرزمین مسطحی (که خلائق ببینند، برای سحر و ساحری) مهیا شویم. (۵۸)  
which neither we nor you will break." (58)



# قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ

موسی گفت: وعده ما و شما روز زینت (یعنی روز عید قبطیان) باشد

He said: "Your appointment will be on Decoration Day"

# وَأَنَّ يُجْشِرَ النَّاسَ ضُحًى

۵۹

و مردم پیش از ظهر (به موعده برای مشاهده) همه گرد آورده شوند. (۵۹)

so that people may be summoned early in the morning." (59)



# فَتَوَلَّى فِرْعَوْنُ

آن گاه فرعون (از موسی) رو گردانید و به تدبیر جمع آوری سحر  
So Pharaoh turned away

فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَى

۶۰

و ساحران پرداخت، سپس (با ساحران بسیار به وعده‌گاه) آمد. (۶۰)  
and put his plan together; then he came [back]. (60)



قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا

موسیٰ ساحران را گفت: وای بر شما! زنهار بر خدا (به سحر)  
 Moses told them: "Watch out for yourselves! Don't invent

ز عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ

دروغ مبندید که به عذابی بنیاد شما را بر باد هلاک دهد،  
 any lie about God lest He blot you out through torment.



# وَقَدْ خَابَ مِنْ أَفْتَرَىٰ (۶۱)

و هر کس به خدا افترا بست سخت زیانکار شد. (۶۱)

**Anyone who invents things will be disappointed." (61)**

## فَتَنَّا زَعُومًا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ

پس آنها در کارشان به گفت و شنید پرداختند و (در نتیجه گفتند

**They debated their case among themselves**



# وَاسْرُوا النَّجْوَى

۶۲

که کار موسی سحر و ساحری نیست ولی) راز خود را پنهان داشتند. (۶۲)  
and kept the discussion secret. (62)

## قَالُوا إِنَّ هَٰذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ

فرعونیان گفتند: این دو تن (موسی و هارون) دو ساحرند که می خواهند  
They said: "These are both magicians who want





أَنْ يُخْرِجَاكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا

به سحرانگیزی خود، شما مردم را از سرزمین خود بیرون کنند  
to expel you from your land by means of their magic,

وَيَذُوبًا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَىٰ

و طریقه نیکوی شما را (که اطاعت فرعون است) از میان ببرند. (۶۳)  
and do away with your exemplary ways. (63)



فَاجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا

پس (ای ساحران) باید شما با هر مکر و تدبیری توانید مهیا شده و (مقابل این دو ساحر)

Get together for your scheme; then come all lined up.

۶۴

وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَىٰ

صف آرایی کنید، که امروز آن کس که غلبه و برتری یابد محققاً او فیروزی یافته است. (۶۴)

Whoever comes out on top today will prosper!" (64)



قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّمَا أَنَا تُلُقَىٰ

ساحران گفتند: ای موسی تو نخست

They said: "Moses, either you will cast [something]

وَأِنَّمَا أَنَا نَكُونُ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ ٦٥

به کار خواهی پرداخت یا ما اول بساط خود بیفکنیم؟ (۶۵)

or shall we be the first to cast [a spell]?" (65)



قَالَ بَلِّ الْقَوْمَ

موسی گفت: شما اول بساط خود درافکنید،

He said: "Rather you throw [first]."

فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيَّهُمْ

(آنها بساط خویش افکندند) که ناگاه در اثر سحر آنان

You should have seen their ropes and rods!



يُخِيلُ إِلَيْهِمْ مِنْ سِحْرِهِمْ

رَسَنَهَا و چوبه‌هایشان پنداشتی در نظر به جنبش و رفتار آمد. (۶۶)  
**It appeared to him as if they were moving around**

أَنَّهَا تَسْعَى ٦٦

در آن حال موسی در دل خویش سخت بترسید (که مبادا امر بر مردم مشتبه شود و میان  
**because of their magic, (66)**



۶۷

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى

سحر ساحران با معجز موسی فرق نگذارند و حجت او بر خلق آشکار نگردد). (۶۷)

**So Moses conceived a fear within himself. (67)**

۶۸

قُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى

ما گفتیم: مترس که تو البته همیشه غلبه و برتری خواهی داشت. (۶۸)

**We said: "Do not act afraid: you will come out on top! (68)**



# وَأَلْقِ مَا فِي يَمِينِكَ

و اینک عصایی که در دست داری بیفکن  
**Throw down what is in your right hand**

# تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا

تا (اژدها شود و یکباره) بساط سحر و ساحری اینان را فرو بلعد،  
**so it will swallow up anything they have produced.**



ز  
إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ

که کار اینان حیلۀ ساحری بیش نیست

What they have produced is only some magician's trick,

وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ٦٩

و ساحر هر جا رود (و هر چه کند) هرگز فلاح و فیروزی نخواهد یافت. (۶۹)  
and no magician succeeds no matter where he goes." (69)





# فَالْقِيَّ السَّحَرَةُ سَجَدًا

پس همهٔ ساحران به سجده افتاده

So the magicians threw themselves down on their knees.



# قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَ مُوسَى

و گفتند: ما به خدای موسی و هارون ایمان آوردیم. (۷۰)

They said: "We believe in the Lord of Aaron and Moses." (70)



قَالَ ءَامَنْتُمْ لَهُ وَقَبْلَ اَنْ ءَاذِنَ لَكُمْ

فرعون گفت: شما چرا پیش از آنکه من اجازه دهم به موسی ایمان آوردید؟  
 He said: "Have you believed in Him before I permit you to?"

اِنَّهُ لَكَبِيْرُكُم الَّذِي عَلَّمَكُم السِّحْرَ

معلوم است که او در سحر، معلم شما بوده،  
 He must be your chief who has taught you magic!



فَلَا قَطِيعَنَّ أَيْدِيكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ

باری من شما را دست و پا

I'll cut your hands and feet off

مِنْ خِلَافٍ

بر خلاف یکدیگر می برم

on opposite sides,



وَأَصْلِبِنكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ

و بر تنه نخلهای خرما به دار می آویزم

and have you crucified on the trunks of datepalms, so you may know

وَلَتَعْلَمَنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى

و خواهید دانست که عذاب (من و موسی) کدام سخت تر و پاینده تر است. (۷۱)

which of us is harsher with torment and going to last longer." (71) 

قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا

ساحران به فرعون پاسخ دادند که ما تو را هرگز بر این معجزات آشکار  
 They said: "We will never choose you before explanations have

مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا

که به ما آمده و بر خدایی که ما را آفریده مقدم نخواهیم داشت،  
 come to us nor ahead of the One Who originated us.



# فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ ز

پس در حق ما هر چه توانی بکن

Decide anything you may decide; you are no judge:



# إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

که هر ظلمی کنی همین حیات دو روزه دنیاست. (۷۲)

You will only decide during this worldly life. (72)



إِنَّا ءَامَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا

ما به راستی به خدای خود ایمان آوردیم تا از خطاهای ما درگذرد

We believe in our Lord, so He may forgive us our mistakes

وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ ط

و گناه سحری که تو ما را به اجبار بر آن داشتی ببخشد،

as well as for any magic you have compelled us to perform.



# وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ



و (لطف و مغفرت) خدا بهتر و پابنده‌تر (از حیات فانی دنیا) است. (۷۳)  
**God is Better and more Enduring." (73)**

# إِنَّهُ مِنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا

که همانا هر کس به خدای خود طاغی و گنهکار وارد شود  
**Anyone who comes to his Lord as a criminal**





فَاِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ

جزاء او جهنم است که در آنجا نه بمیرد  
will have HELL [as his reward];

۷۴

لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيِي

(تا از عذاب برهد) و نه زنده شود (که از لذت زندگی برخوردار باشد). (۷۴)  
he will neither die in it, nor yet will he live [a decent life]. (74)



وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ

و هر کس به خدای خود مؤمن باشد و با اعمال صالح بر او وارد شود

Whoever comes to Him as a believer has performed

فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى

۷۵

اجر آنها هم عالی ترین درجات بهشتی است. (۷۵)

honorable deeds; those will have the highest ranks, (75)



# جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

آن بهشتهای عدنی که دائم زیر درختانش نهرها جاری است  
 the gardens of Eden through which rivers flow,

## خَالِدِينَ فِيهَا

و تا ابد در آنجا (از نعمت و حیات، برخوردار) هستند  
 to live in for ever.



# وَذٰلِكَ

و آن بهشت پاداش کسی است

That will be

جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى



که خود را (از کفر و عصیان و شرک و طغیان) پاک و پاکیزه گرداند. (۷۶)

the reward for anyone who becomes purified. (76)



وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ

و همانا به موسی وحی کردیم که بندگان (مؤمن) مرا  
**We inspired Moses [as follows]: "Travel with**

أَنْتَ أَسْرِبِ عِبَادِي

شبانہ (از شهر مصر) بیرون بر،  
**My servants at night**



فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا

و (به اعجاز و لطف ما) راهی خشک از میان دریا بر آنها پدید آور که نه از تعقیب  
and open up a dry road through the sea for them.

لَا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى



و رسیدن فرعونیان ترسناک باشی و نه (از غرق شدن) اندیشه داری. (۷۷)  
Do not fear being overtaken nor dread anything." (77)



فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ

و فرعون با سپاهش از پی آنها تاختند

Pharaoh had them pursued by his troops,

فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ۗ

۷۸

پس موج دریا چنان آنها را فرو برد که از آنان اثری باقی نگذاشت. (۷۸)

and the flood overwhelmed them as only it could overwhelm them. (78)

# وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ

و فرعون پیروان خود را علاوه بر اینکه هدایت نکرد

**Pharaoh led his folk astray**

## وَمَا هَدَىٰ



سخت به ضلالت و بدبختی افکند. (۷۹)

**and did not guide [them]. (79)**





# يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

ای بنی اسرائیل، محققاً ما شما را

Children of Israel,

# قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ

از شر دشمن نجات دادیم و با شما در جانب راست کوه طور

We saved you from your enemy



وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ

وعدہ نہادیم (تا بہ مناجات موسیٰ کلام حق را بشنوید) و (در بیابان کہ  
and made an appointment for you on the right side of the Mountain,

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ

سرگردان شدید) برای قوت شما ترنجبین و مرغ بریان فرستادیم. (۸۰)  
and sent down manna and quail for you. (80)



كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ

(و دستور دادیم که) از این رزق حلال و پاکیزه که نصیبتان کردیم تناول کنید  
**Eat some of the wholesome things We have provided you with**

وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ

و در آن (به کفر نعمت و ترک شکرگزاری) طغیان و سرکشی مکنید  
**and do not act arrogantly while doing so,**



فَيَحِلُّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلُّ

وگرنه مستحق غضب و خشم من می شوید، و هر کس مستوجب

lest My anger light upon you; anyone My anger

عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ

۸۱

خشم من گردید همانا خوار و هلاک خواهد شد. (۸۱)

lights upon will surely collapse. (81)



وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَءَامَنَ

و البته بر آن کس که (از کفر) توبه کند و (به خدا) ایمان آرد و نکوکار گردد  
 Yet I am quite Forgiving towards anyone who turns (in repentance)

وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَىٰ ۱۲

و درست به راه هدایت رود مغفرت و آمرزش من بسیار است. (۸۲)  
 and believes, and acts honorably; then he will be guided." (82)



وَمَا أَعْجَلَكَ 

و ای موسی بازگو که بر قومت  
"Whatever made you hurry away

 ۸۳ عَنْ قَوْمِكَ يَا مُوسَى

چرا سبقت گرفته و با شتاب به وعده‌گاه آمدی؟ (۸۳)  
from your people, Moses?" (83)



قَالَ هُمْ أَوْلَاءِ عَلَىٰ أَثَرِي

موسی عرضه داشت: هم اینک قوم از پی من هستند

He said: "They were close upon my tracks, while I have hastened

وَعَجَلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضَىٰ

۱۴

و من خود برای خشنودی تو تعجیل کرده و بر آنها تقدم جستم. (۱۴)

to You, my Lord, so You may feel pleased." (84)



قَالَ فَإِنَّا قَدْ فَتَنَّا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ

خدا فرمود: همانا ما قوم تو را پس از آمدن تو آزمایش کردیم

He said: "We have tested your folk in your absence

وَأَضَلَّهُمُ السَّامِرِيُّ



و سامری آنان را گمراه کرد. (۸۵)

and the Samaritan has led them astray." (85)





# فَرَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ

موسی (که از فتنه سامری آگاه شد) متأسف و غضبناک

**Moses returned to his people**

# غَضِبَانَ أَسِفًا

به سوی قوم بازگشت

**angry, sorrowful.**



قَالَ يَا قَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ

و گفت: ای قوم من، مگر خدای شما به شما وعده احسان نداد  
**He said: "My folk, did your Lord not make you**

وَعَدًا حَسَنًا

(که شما را نعمت کتاب بزرگ تورات عطا کند)؟  
**a handsome promise?**



أَفْطَالَ عَلَيْكُمْ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ

آیا وعده خدا بر شما طولانی شد، یا مایل شدید که  
 Did the agreement seem too long in reaching you,

أَنْ يَجِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ

مستوجب قهر و غضب خدای خود شوید،  
 or did you want anger from your Lord to settle upon you,



# فَاخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي

۱۶

که وعده مرا خلاف کردید (و عهد من شکستید)؟ (۱۶)  
 so that you broke the appointment to meet Me?" (86)

## قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا

قوم به موسی گفتند: ما به میل و اختیار خود خلاف وعده تو نکردیم  
 They said: "We did not break your appointment of our own accord, ۹

وَلَكِنَّا حَمِلْنَا

و لیکن اسباب تجمل

but we had to carry loads

أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ

و زینت بسیاری (از فرعونیان) بار دوش ما نهادند

of the people's ornaments



# فَقَذَفْنَاهَا

و ما آنها را در آتش افکندیم  
and toss them [into a furnace].

فَكَذَّبَكَ الْقِيَاسُ السَّامِرِيُّ

و چنین سامری (فتنه‌انگیز بر ما) القا کرد. (۸۷)  
That is what the Samaritan suggested." (87)



فَاَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا

آن گاه سامری با آن زر و زیورها مجسمه گوساله‌ای بساخت  
 He produced a calf for them in the shape of a body

لَهُ وَخَوَارِ

که صدایی شگفت داشت  
 that moored.



# فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ

و (با این شعبده سامری و پیروانش) گفتند: خدای شما و خدای موسی  
**They said: "This is your god, the god of Moses;**

# وَاللَّهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ



همین گوساله است که موسی فراموش کرده است. (۸۸)  
**he has forgotten [it]." (88)**





# أَفَلَا يَرَوْنَ إِلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا

آیا این گوساله پرستان نمی نگرند که آن گوساله هیچ حرف و اثری  
**Did they not consider it would not talk back to them,**

# وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

۱۸۹

و هیچ خیر و شری به آنها عاید نمی سازد؟ (۱۸۹)  
**nor control any harm or advantage for them? (89)**



وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلُ

و هارون هم پیش از آنکه موسی باز آید به آنان گفت:

Now Aaron had already told them:

يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ

ای قوم، این گوساله اسباب فتنه و امتحان شما گردیده

"My people, you are only being tested by means of it.



وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي

و محققاً آفریننده شما خدای مهربان است (نه این گوساله سامری) پس

**Your Lord is the Mercy-giving, so follow me**

وَاطِيعُوا أَمْرِي

شما پیرو من شوید و امر مرا فرمان برید. (۹۰)

**and obey my command!" (90)**



# قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ

قوم گفتند: ما بر این پرستش گوساله ثابت هستیم  
**They said: "We will never quit being devoted to it**

# حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ

۹۱

تا وقتی که موسی به سوی ما بازگردد. (۹۱)  
**until Moses returns to us." (91)**



# قَالَ يَا هَرُونَ

موسی (چون بازگشت با عتاب به هارون) گفت: ای هارون

He said: "Aaron,

مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

مانع تو چه بود که چون دیدی که قوم گمراه شدند، (۹۲)

what prevented you, when you saw they had strayed (92)





أَلَا تَتَّبِعَنِ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي

از پی من نیامدی؟ آیا نافرمانی امر من کردی؟! (۹۳)

from having them follow me? Did you disobey my order?" (93)

قَالَ يَبْنَؤُم لَا تَأْخُذْ بِبِحْيَتِي

هارون گفت: ای برادر مهربان (بر من قهر و عتاب مکن و) سر

He said: "My (blood) brother, do not seize me by my beard



وَلَا بِرَأْسِي ز إِنِّي خَشِيتُ

و ریش من مگیر، ترسیدم بگویی

nor by my head! I dreaded you would say:

أَنْ تَقُولَ فَفَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی

'You have brought dissension to the Children of Israel



وَلَمْ تَرَ قَبْ قَوْلِي ٩٤

و به سختم وقعی ننهادی. (۹۴)  
and did not observe what I said." (94)

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ٩٥

آن گاه موسی گفت: ای سامری این فتنه چه بود که تو برپا کردی؟ (۹۵)  
He said: "What have you been trying to do, O Samaritan?" (95)



قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ

سامری گفت: من چیزی را دیدم که قوم ندیدند،

He said: "I noticed something they do not notice,

فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِنْ أَثَرِ الرَّسُولِ

من مشتکی خاک از اثر قدم رسول (حق، جبرئیل) بر گرفته

so I snatched a handful from the messenger's footprints



# فَنَبَذْتُهَا

و (در گوساله) ریختم  
and flung it away.

۹۶ وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي

و نفس من چنین (فتنه‌انگیزی را) به نظرم جلوه داد. (۹۶)  
Thus my soul has lured me on." (96)



قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ

موسی گفت: از میان ما برو که تو در زندگانی دنیا (به مرضی معذب خواهی

He said: "Go away! During your lifetime

أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ

شد که همه از تو متنفر شوند و) داریم گویی کسی مرا نزدیک نشود،

you will say: 'Don't touch [me]!'



وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانْظُرْ

و (در آخرت) هم وعده‌گاهی (در دوزخ) داری که با تو تخلف نخواهد شد،

You have an appointment [for your torment] which will not be broken.

إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا

و اکنون این خدایت را که بر پرستش و خدمتش ایستادی بنگر

Look at your god which you have become so devoted to:



لَنَحْرِقَنَّهُ وَ

که آن را در آتش می سوزانیم  
we shall burn it up,

۹۷

ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا

و خاکسترش را به آب دریا می دهیم. (۹۷)  
then scatter its remains in the flood." (97)



ج ۲۹۰  
إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

تنها خدای شما آن یگانه خدایی است که جز او هیچ خدایی نیست  
Your God is God [Alone]; there is no other deity than Him!

وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ٩٨

و علمش به همه ذرات عوالم هستی محیط است. (۹۸)  
He is Vaster than everything in knowledge. (98)



كَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ

و ما اخبار گذشتگان ديگر را اين چنين بر تو حكايت خواهيم كرد

Thus We relate some news to you about what has occurred previously;

سَبَقَ <sup>ج</sup> وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا <sup>٩٩</sup>

و از نزد خود اين ذكر (يعنى كتاب عظيم الشأن قرآن) را به تو عطا كرديم. (۹۹)

We have even brought you a Reminder from Our very presence. (99)

# مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ

هر کس از این ذکر اعراض کند

Anyone who evades it



# فَإِنَّهُ وَ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا

روز قیامت بار سنگینی از گناه را به دوش خواهد داشت. (۱۰۰)

will bear a burden on Resurrection Day (100)





# خَالِدِينَ فِيهِ

اینان در عذاب آن اعمال زشت مخلدند  
which he will remain with.

وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا

۱۰۱

و سخت است بسی در قیامت، بار اعمال زشتی که به دوش گرفته‌اند. (۱۰۱)  
Evil will be such a load for them on Resurrection Day, (101)



# يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ ج

روزی که در صور دمیده شود و (در آن روز) بدکاران را  
 the day when the Trumpet shall be blown.

وَنَحْشُرُ الْمَجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ١٠٢

کبود چشم محشور کنیم (و چشم کبودشان نشانه جرم خواهد بود). (۱۰۲)  
 We shall summon bleary-eyed criminals on that day. (102)



يَتَخَاَفَتُونَ بَيْنَهُمْ

و آنها (از هول و هراس آن روز) با یکدیگر آهسته زیر لب گویند که (ای افسوس) ده روزی بیش

**They will mutter to one another:**

إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ۱۰۳

(در زندگی دنیا) درنگ نکردید (و نعمت ابدی بهشت را برای دنیای فانی از دست بدادید). (۱۰۳)

**"Did you only stay away ten [days]?" (103)**



نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ

ما به آنچه می گویند بهتر آگاهیم، که از آن بدکاران بهتر و درست ترینشان به آنها خواهد گفت: شما

We are quite Aware of what they will say when the best behaved

أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ع

۱۰۴

روزی بیش درنگ نکردید (دریغاً چه زود عمر در شهوت و معصیت بگذشت و جرم و عقابش بماند!) (۱۰۴)

among them will say: "You have only stayed away a day!" (104)

# وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ

و (ای رسول) از تو پرسند که کوه‌ها (در روز قیامت) چه می‌شود؟ جواب ده که  
**They will ask you about the mountains,**

فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا

۱۰۵

خدای من کوه‌ها را چنان از بنیاد برکند که خاک شده و خاکش بر باد دهد. (۱۰۵)  
**so SAY: "My Lord will crumble them into powder (105)**



۱۰۶

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا

آن گاه پست و بلندیهای زمین را چنان هموار گرداند. (۱۰۶)  
and leave them as flat as a prairie. (106)

۱۰۷

لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا

که در آن ابداً هیچ بلندی و پستی نخواهی دید. (۱۰۷)  
You will see no rough spots nor any unevenness on them. (107)



يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَأَ عِوَجَ لَهُ

در آن روز خلائق همه از پی کسی که آنها را به راه مستقیم به عرصه قیامت دعوت کند  
On that day they will follow the Crier who has no crookedness in him

وَ خَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ

(یعنی اسرافیل) ناچار خواهند رفت، و صداها پیش خدای رحمان خاشع و خاموش گردد  
either; their voices will be hushed before the Mercy-giving





# فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا

که جز زیر لب و آهسته، صدایی نخواهی شنید. (۱۰۸)  
**and you will hear only [people] shuffling past. (108)**

# يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ

در آن روز، شفاعت هیچ کس سود نبخشد  
**On that day intercession will only benefit someone**





إِلَّا مَنْ أَدِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ

جز آن کس که خدای رحمان به او رخصت شفاعت داده  
whom the Mercy-giving has permitted to enjoy it,

وَرَضِيَ لَهُ وَقَوْلًا

۱۰۹

و سخنش را پسندیده باشد. (۱۰۹)

and whose statement has pleased Him. (109)



يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

و خدا (به علم ازلی) بر همهٔ آینده و گذشتهٔ خلائق آگاه است  
 He knows what lies in front of them and what is behind them,

وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا



و خلق را ابداً به او احاطه و آگاهی نیست. (۱۱۰)

while they do not embrace any knowledge about Him. (110)



وَعَنْتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ﴿۱۱۱﴾

و بزرگان عالم همه در پیشگاه عزت آن خدای حی توانا ذلیل و خاضعند و (در  
**Faces will seem downcast before the Living, the Eternal,**

وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿۱۱۱﴾

آن روز) هر که بار ظلم و ستم به دوش دارد سخت زبون و زیانکار است. (۱۱۱)  
**and anyone who carries a load of harm will have blundered, (111)**

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ

و هر کس اعمالش نیکو است و (به خدا هم) ایمان دارد

while anyone who has performed honorable deeds and is a believer



فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا

از هیچ ستم و آسیبی بیمناک نخواهد بود. (۱۱۲)

will need fear no harm nor any injustice. (112)



وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا

و ما این گونه این (قرآن عظیم) را قرآنی با فصاحت کامل عربی بر تو فرستادیم  
**Thus We have sent it down as an Arabic reading**

وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ

و در آن وعده‌ها و احوال قیامت را به انواع گوناگون تذکر دادیم،  
**and set forth some of the Threat in it**



لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

باشد که مردم پرهیزکار شوند  
so that they may do their duty,

۱۱۳

أَوْ يُجَدِّثُ لَهُمْ ذِكْرًا

یا پندی از نو بر ایشان آورد. (۱۱۳)  
or so it will arouse them to remember. (113)



# فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ط

پس بلند مرتبه است و بزرگوار خدایی که به حق و راستی پادشاه ملک وجود

**Exalted is God, the True Controller!**

# وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ

است و تو (ای رسول) پیش از آنکه وحی قرآن تمام و کامل به تو رسد

**Do not hurry while reading [the Qur'an] before its revelation**



أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَ

تعمیل در (تلاوت و تعلیم) آن مکن  
has been accomplished for you,

وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا

۱۱۴

و دائم بگو: پروردگارا بر علم من بیفز. (۱۱۴)

and [rather] SAY: "My Lord, increase me in knowledge!" (114)





وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ

و همانا ما پیش از این با آدم عهدی بستیم (که فریب شیطان نخورد) و او

We had already made a pledge with Adam which he forgot.

وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا <sup>ع</sup> ۱۱۵

فراموش کرد و در آن عهد او را استوار و ثابت قدم نیافتیم. (۱۱۵)

We found he had no determination. (115)



وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

و (یاد آر) هنگامی که فرشتگان را گفتیم به آدم سجده کنید،

When We told the angels: "Bow down on your knees before Adam,"

فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى

۱۱۶

همه سجده کردند جز ابلیس که امتناع ورزید. (۱۱۶)

they [all] knelt down except for Diabolis; he refused [to do so]. (116)

فَقُلْنَا يَا آدَمُ

آن گاه گفتیم: ای آدم

We said: "Adam,

إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ

محققاً این شیطان با تو و جفت دشمن است،  
this is an enemy for both you and your wife.



فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ

مبادا شما را از بهشت بیرون آرد و از آن پس

Do not let him turn either of you out of the Garden,



فَتَشْقَى

به شقاوت و بدبختی گرفتار شوی. (۱۱۷)

so you will regret it. (117)





إِنَّ لَكَ إِلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى

همانا برای تو این هست که نه هرگز آنجا گرسنه شوی و نه برهنه و عریان مانی.

You have so much in it that you need go neither hungry nor naked;



وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى

(۱۱۸) و نه هرگز در آنجا به تشنگی و به گرمای آفتاب آزار بینی. (۱۱۹)

(118) you will neither thirst there nor feel sunstruck." (119)



فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ

باز شیطان در او وسوسه کرد، گفت: ای آدم،  
Satan whispered to him; he said: "Adam,

هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ

آیا (میل داری) تو را بر درخت ابدیت  
shall I lead you to the Tree of Immortality



# وَمُلْكٍ لَا يَبْلَىٰ



و ملک جاودانی دلالت کنم؟ (۱۲۰)

and such control as will never disappear?" (120)

## فَاَكَلَا مِنْهَا فَبَدَّتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا

پس آدم و حوّا (فریب خوردند و) از آن درخت تناول کردند،

So they both ate some of it, and their private parts became apparent

# وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا

بدین جهت (لباسهای بهشتی از تنشان دور و عیوب و) عورت آنها در نظرشان  
to them. They set to patching themselves over with leaves

# مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ

پدیدار شد و شروع کردند به ساتری از برگ درختان بهشت خود را پوشاندن.  
from the Garden.





وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ وَفَغَوَىٰ ﴿١٢١﴾ ثُمَّ اجْتَبَاهُ

و آدم نافرمانی خدای کرد و گمراه شد. (۱۲۱) سپس خدا او را  
Adam had disobeyed his Lord and was misled! (121) Later on his

رَبَّهُ وَفَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿١٢٢﴾

(به مقام نبوتش) برگزید و توبه او را پذیرفت و هدایتش فرمود. (۱۲۲)  
Lord chose him, and He relented towards him and guided [him]. (122)

قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا ز

آن گاه خدا (به آدم و حوا) فرمود: اکنون از عالی رتبه بهشت فرود آیید  
 He said: "Clear out of here, both of you together!"

بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ز

که برخی از شما با برخی دیگر دشمنید،  
 Some of you [will become] enemies of others.



فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى

پس اگر از جانب من برای شما راهنمایی بیاید  
Should guidance ever come to you from Me,

فَمَنْ اتَّبَعَ هُدَايَ

آن هنگام هر که از راه من پیروی کند  
no one who follows My guidance





فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى

نه هرگز گمراه شود و نه شقی و بدبخت گردد. (۱۲۳)  
 shall ever stray away nor regret it; (123)

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي

و هر کس از یاد من اعراض کند  
 while anyone who fails to remember Me



فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا

همانا (در دنیا) معیشتش تنگ شود  
will have a meager living

۱۲۴

وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى

و روز قیامتش نابینا محشور کنیم. (۱۲۴)

and We shall summon him as a blind person on Resurrection Day. (124)

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى

گوید: الهی، چرا مرا نابینا محسور کردی

He will say: 'My Lord, why have you summoned me

وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا

۱۲۵

و حال آنکه من بینا بودم؟ (۱۲۵)

as a blind person when I was sighted?' (125)



قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيَتْهَا

خدا به او فرماید: (آری) بدین گونه آیات ما برای هدایت تو آمد و همه را به طاق  
 He will say: 'Thus did Our signs come to you, and you forgot them;

۱۲۶

وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى

فراموشی و غفلت نهادی، و امروز هم تو فراموش (و بی بهره) خواهی شد. (۱۲۶)  
 that is why you have been forgotten today." (126)



وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ

و این چنین ما هر کس را که ظلم و نافرمانی کند  
Thus We reward anyone who overdoes things

وَلَمْ يُؤْمِرْ بِأَيَاتِ رَبِّهِ

و ایمان به آیات پروردگارش نیاورد مجازات سخت می‌کنیم  
and does not believe in his Lord's signs.





# وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ

با آنکه عذاب آخرتش

**Torment in the Hereafter**

أَشَدُّ وَأَبْقَى

۱۲۷

سخت تر و پاینده تر خواهد بود. (۱۲۷)

**will be even more severe and everlasting. (127)**



أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ

آیا این کفار قریش را از مشاهدهٔ حال طوایف بسیاری از گذشتگان که ما همه را

Did it not guide them [to see] how many generations We had

مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ

هلاک کردیم و اینان در منازل و عمارات آنها می‌روند (عبرت و پند و) هدایت نبود؟

wiped out before them whose dwellings they walk around in?



إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَىٰ

بی شک احوال گذشتگان برای خردمندان بسیار مایه عبرت و آیه هدایت است. (۱۲۸)

In that are signs for persons who are wary.: (128)

وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

اگر نه این بود که کلمه پروردگار (و تقدیر ازلیش بر این کار) سبقت یافته

If word had not already gone ahead from your Lord,



# لَکَانَ لِزَامًا

(که کافران و بدکاران این امت در قیامت به کیفر رسند) همانا عذاب  
it would have been made compulsory

# وَأَجَلٌ مُّسَمًّى

۱۲۹

(در دنیا بر آنها) لزوم می یافت و آن اجل معین فرا می رسد. (۱۲۹)  
and a deadline set. (129)



فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

پس تو بر آنچه (امت جاهل بر انکار و طعن تو) می‌گویند  
**So be patient about anything they may say**

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

صبر و تحمل پیش‌گیر و خدای را  
**and hymn your Lord's praise**



۳۳۰  
ز

قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا

پیش از طلوع خورشید و بعد از غروب آن  
before the sun's rise and before its setting,

وَمِنْ أُنَائِئِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ

و ساعاتی از شب تار و اطراف روز روشن،  
and in the small hours of the night.



# وَاطْرَافِ النَّهَارِ

ستایش و تسبیح گو،

Hymn it as well at the ends of the day

لَعَلَّكَ تَرْضَى

۱۳۰

باشد که (به مقام رفیع شفاعت) خشنود شوی. (۱۳۰)

so that you may meet approval. (130)



وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ

و هرگز به متاع ناچیزی که به قومی از آنان (قومی کافر و جاهل)

Do not strain your eyes towards what We let some types

أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

در جلوهٔ حیات دنیای فانی برای امتحان داده‌ایم  
of them enjoy, the blossoming of worldly life,





لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ

چشم آرزو مگشا،

so We may test them by means of it.

وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى

۱۳۱

و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده تر است. (۱۳۱)

Your Lord's provision is better and more lasting. (131)



# وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ

تواهل بیت خود را به نماز و طاعت خدا امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش،

Order your household to pray and to discipline themselves by means

# عَلَيْهَا لِأَنْسَأَلَكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ

ما از تو روزی (کسی را) نمی طلبیم بلکه ما به تو (و دیگران) روزی می دهیم،

of it. We do not ask you for any provision; yet We will provide for you,

# وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ

۱۳۲

و عاقبت نیکو مخصوص (اهل) پرهیزکاری و تقواست. (۱۳۲)  
and the outcome rests on doing your duty. (132)

## وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ

و کافران گفتند: چرا (محمد) آیت و دلیلی روشن از جانب خدا برای ما نمی آورد؟  
They say: "If he would only bring us some sign from his Lord!"

# أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ

آیا آیات بیّنهُ کتب پیشین (چون تورات و انجیل و صحف

**Has not evidence already reached them**

## مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى

۱۳۳

که در همه ذکر اوصاف نبوت هست) بر آنان نیامد؟ (۱۳۳)

**about what was in the early scriptures? (133)**



وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ

و اگر ما پیش از فرستادن پیغمبر، کافران (و مشرکان قریش) را

**If We were to wipe them**

بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا

همه به نزول عذاب هلاک می کردیم البته آنها می گفتند: پروردگارا

**out ahead of time with torment, they would say: "Our Lord,**



لَوْلَا أَرْسَلْتُ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ

چرا بر ما رسولی نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم

if You had only sent us a messenger, we would have followed

عَايَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنُخْزَى

۱۳۴

پیش از آنکه به این عذاب و ذلت و خواری گرفتار شویم؟ (۱۳۴)

Your signs before we were humbled and disgraced." (134)



قُلْ كُلٌّ مَّتَرِبِصٌ فَتَرَبِّصُوا ز

بگو: هر یک (از ما و شما) منتظریم، پس مترصد و منتظر (امر خدا) باشید

SAY: "Everyone lives in expectation, so be on the lookout!"

فَسَتَعْلَمُونَ

که به زودی خواهید دانست

You will know



# مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ

(ما و شما) کدام به راه مستقیم سعادت رفته  
 who are [your] companions along the Level Road



# وَمِنْ اهْتَدَى

و طریق هدایت یافته ایم. (۱۳۵)  
 and who has been guided. (135)







Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



[www.negareh-asan.ir](http://www.negareh-asan.ir)

نِگارِش  
آسان